بنیاد پژوهشی آل‌شنسب

بررسی حضور هزاره‌های اهل سنت در ۲۷ روستای غور

(بر مبنای ادعاهای مطرح شده در کتاب هزاره‌های اهل سنت)

جلال‌الدین جلال

پاییز ۱۴۰۳

بنام خداوند جان و خرد

کزین برتر اندیشه بر نگذرد



بنیاد پژوهشی آل‌شنسب

نویسنده:

جلال‌الدین جلال عضو بنیاد پژوهشی آل‌شنسب

همکاران بخش سروی و انجام پرسشنامه‌ها:

احمدشاه شمسی، سردار احمد پارسا، فضل‌الدین مذهبی، محمود عظیمی، محمد اسحاق انصاری، محمد صادق صبا و برهان‌الدین نظری.

سپاسگزاری:

این پژوهش با حمایت مالی جمعی از علاقه‌مندان به تاریخ و فرهنگ انجام شده است. از همراهی و پشتیبانی ارزشمند تمامی حامیان سپاسگزاریم.

سپاسگزاری ویژه:

از دکتر جمشید مهرپور بابت راهنمایی‌های سودمندشان و به‌خاطر اینکه متن را پیش از نشر مطالعه نمودند، سپاسگزاریم.

فهرست مطالب

چکیده ۱
پیشگفتار ۲
هدف پژوهش ۳
مسأله پژوهش ۳
ضرورت پژوهش ٤
روش پژوهش ٤
پیشینه‌ی تحقیق و ادبیات موجود ٥
چوکات نظری تحقیق ۷
تحلیل و بررسی داده‌ها ۹
تعداد پرسش شوندگان با تفکیک هر ولسوالی و روستاهای مربوطه ۹
جنسیت پرسش شوندگان ۱۱
سن پرسش شوندگان ۱۲
سطح تحصیلی پرسش شوندگان ۱۳
قومیت پرسش شوندگان(پرسش اصلی پژوهش) ۱٤
پاسخ هر روستا در مورد قومیت ۱٦
رابطه جنسیت و قومیت ۲۱
رابطه سن و قومیت ۲۲
رابطه سطح تحصیل و قومیت ۲۳
نتیجه‌گیری ۲٥
پیوست‌ها ۲۸
فهرست منابع ۲۹

چکیده

بحث قومیت غوری‌ها یکی از موضوعات پرچالش و جنجالی در پژوهش‌های تاریخی و مردم‌شناسی کشور بوده است. تاریخ‌نگاران و قوم‌نگاران بیشتر با توجه به وابستگی قومی خودشان درباره‌ی هویت غوری‌ها قضاوت کرده‌اند. اگر تاریخ‌نگاری پشتون بوده، غوری‌ها را از دوران فرمانروایی‌شان تا به امروز، پشتون دانسته است. به همین ترتیب، اگر تاریخ‌نگار ترک‌تبار، تاجیک یا هزاره بوده، نیز قضاوت مشابهی داشته است. در سال‌های پسین، بحث رابطه‌ی تاجیک و ایماق در غور به‌عنوان یک موضوع جدی و داغ مطرح بوده است. برخی ایماق را قومی جداگانه می‌دانند، عدهٔ دیگر ایماق را زیرمجموعه‌ی قوم تاجیک به شمار می‌آورند و گروهی نیز بر این باورند که واژهٔ ایماق به‌معنای «قبیله» و «طایفه» است و نه یک قوم مشخص. این دیدگاه‌های گوناگون و متناقض وضعیت را پیچیده‌تر کرده است. از سوی دیگر، دکتر حفیظ شریعتی (سحر) در کتاب «هزاره‌های اهل سنت»، بخش بزرگی از مردم غور را هزارهٔ اهل سنت خوانده است.

برای روشنی این مسأله‌ی پر اختلاف، سه راهکار یا سه روش بررسی می‌تواند مطرح باشد. نخست، پژوهش‌های کتابخانه‌ای و تاریخی که با تطبیق آن‌ها با مردم امروزی می‌توان به بررسی پرداخت که قومیت غوری‌ها چیست. این روش، چنان که تجربه نشان داده، به‌سادگی به نتیجه نمی‌رسد، چراکه هر گروه از تاریخ‌نگاران و مردم‌شناسان بر پایهٔ برداشت خود از مسأله اصرار می‌ورزند و روی دیدگاه‌شان پافشاری می‌کنند. راه دیگر، آزمایش DNA و پژوهش‌های ژنتیکی است. اما این روش نیز، با توجه به شواهد موجود، به اختلاط و آمیختگی نژادی می‌انجامد و پاسخی روشن دربارهٔ قومیت هر فرد یا گروه به دست نمی‌دهد. در نهایت، راه سومی مطرح است که قومیت را به‌عنوان مفهوم فرهنگی، نوعی احساس و باور و شناخت سیال و متغیر از خود می‌داند. بر اساس این دیدگاه، در مطالعهٔ قومیت یک گروه می‌توان از آنها پرسید که خود را متعلق به کدام قوم می‌دانند. هرکس خودش را وابسته به هر قومی که می‌داند، همان قوم به‌عنوان هویت قومی‌اش پذیرفته می‌شود.

بر پایهٔ همین نظریه، در این پژوهش با استفاده از پرسشنامه، از تعدادی از روستاهایی که به‌طور مشخص در کتاب «هزاره‌های اهل سنت» به عنوان هزارهٔ اهل سنت معرفی شده‌اند و مردم نیز لااقل در غیاب گاهی برخی از آنها، نه تمام‌شان را به نام‌های هم‌چون هزارخانه، هزار بیک، هزاری و هزاره می‌خوانند، پرسیده شده است. هم‌چنان به تعدادی از روستاهای وابسته به طایفه‌هایی که در کتاب «هزاره‌های اهل سنت» به‌عنوان هزاره‌های اهل سنت خوادنده شده اند نیز مراجعه شده است. در نهایت از ۸۶۹ نفر که هرکدام به حیث نمایندهٔ یک خانواده شمرده شده است، در شهرستان‌های تیوره، تولک، دولینه، فیروزکوه، دولتیار، چهارسده و مرغاب پرسیده شده است که خود را از کدام قوم می‌دانند؟ بر اساس تحلیل و جمع‌بندی پاسخ مردم روستاها و طایفه‌های که در کتاب هزاره‌های اهل سنت، هزاره خوانده شده اند، از میان ۸۶۹ نفر ۷۷,۱۰٪ خود را تاجیک، ۱۱,۰۵٪ خود را ایماق، ۸,۴٪ خود را هزارهٔ اهل سنت، ۲,۴۱٪ خود را افغان(پشتون)، ۰,۴۶٪ خود را سید، ۰,۱۲٪ خود را ترکمن و به همین ترتیب ۰,۴۶٪ دیگر گزینهٔ سایر اقوام را انتخاب کرده اند.

واژگان کلیدی: غوریها، قومیت، هویت، هزاره‌های اهل سنت.

پیشگفتار

در مورد اینکه مردمان غور از کدام نژاد و تبار هستند، دیدگاه‌های گوناگون و حتی متضادی ارایه شده است. در درون کشور، کسانی که در دوران معاصر دربارۀ مردم، تبار و قومیت مردم غور کتاب یا مقاله نوشته اند، بیشتر بر پایۀ قوم و تبار خود در مورد غوری‌ها به داوری پرداخته‌اند. این شیوه، به‌جای آنکه گره‌گشای مسأله باشد، آن را پیچیده‌تر کرده است. نویسندگان خارجی نیز که در صد سال پسین دربارۀ مردم و گسترۀ جغرافیای غور مطلبی نوشته‌اند، تا اندازۀ زیادی بر همین منابع داخلی تکیه کرده‌اند و یا به شناسایی قبیله‌ها و طایفه‌ها کوچک پرداخته‌اند که از دیدگاه روشن‌سازی هویت نژادی غوریان، راه به جایی نبرده است (پژوهشی در قومیت غوری‌ها، ۱۴۰۰: ۱۴).

این پژوهش از آن جهت مهم است که به‌جای پرداختن به پژوهش‌های بحث‌برانگیز کتابخانه‌ای، مستقیماً به سراغ دهکده‌ها و طایفه‌های از مردم غور رفته که در کتاب «هزاره‌های اهل سنت» زیر نام «هزاره‌های اهل سنت» نام برده شده‌اند و از خودشان پرسیده شده است که خود را از چه قوم و تبار می‌دانند. پاسخ‌های مردم به این پرسش، این خلاء و پیچیدگی را به شکل ساده و منطقی برطرف می‌کند و روشن می‌سازد که ساکنان این دهکده‌ها و طایفه‌ها، از دیدگاه خودشان، خود را به کدام قوم و نژاد وابسته می‌دانند. روش‌های پژوهشی کتابخانه‌ای که به بررسی قومیت غوری‌ها در تاریخ پرداخته‌اند، به دلیل همان مشکلی که پیش‌تر بیان شد، نمی‌توانند به‌طور کامل ابهام‌ها و تاریکی‌های این مسأله را برطرف کنند.

بدیهی است که هر انسان بهتر از دیگران از هویت خود آگاه است و دیگران تنها از طریق شناختی که فرد یا خانواده‌اش از او ارایه می‌دهند، می‌توانند او را بشناسند. هرچند پژوهش‌های کتابخانه‌ای بسیاری دربارۀ مردم غور انجام شده، اما به دلیل اینکه در گذشته‌ها مسأله قومیت به اندازۀ امروز اهمیت نداشته و مردم بیشتر با هویت‌های جغرافیایی مانند «بلخی»، «هروی» و «غوری» شناخته می‌شدند و نیز به دلیل گرایش‌های قوم‌گرایانه و بی‌طرف نبودن بسیاری از تاریخ‌نگاران، بررسی و روشن کردن مسألۀ قومیت و تبار غوری‌ها از طریق مطالعات کتابخانه‌ای به کار دشوار و پیچیده تبدیل شده است.

از نظر تاریخی و مطالعات کتابخانه‌ای مردم غور در منابع معتبر قدیمی‌تر دوره اسلامی به نام سوری و غوری و تاجیک یاد شده و در دوران معاصر در برخی کتاب‌ها گاهی بعضی مناطق غور به نام ایماق نیز معرفی شده‌اند (شناسنامه غور، ۱۳۹۹: ۱۰۷). پژوهشگران غربی، که برای ساده‌تر کردن کار خود به تجزیه و تقسیم اقوام بزرگ‌تر پرداخته و بیشتر قبیله‌ها یا ایماق‌های غوری مانند فیروزکوهی، تیمنی، جمشیدی، زوری و دیگران را مورد مطالعه قرار داده‌اند، واژه «ایماق» را که در اصل و به لحاظ زبانی به معنای قبیله و طایفه است، به اشتباه به‌عنوان یک قوم یا نژاد خاص درک کرده و مسأله را پیچیده‌تر کرده‌اند.

در این پژوهش، مطابق با نظریه قومیت به‌عنوان حس تعلق، از مردم ۲۷ روستا در هفت شهرستان غور پرسیده شده است که خود را از کدام قوم و تبار می‌دانند. پس از تحلیل دیدگاه‌ها و پاسخ‌های مردم این روستاها و طایفه‌ها مورد نظر، مشخص می‌شود که آنان خود را از چه قوم و نژادی می‌دانند. به باور نویسنده، این پژوهش پاسخ روشن و مبتنی بر ارقام و آمار به ادعای کتاب «هزاره‌های اهل سنت» در مورد حضور یا عدم حضور هرزاه‌های اهل سنت در غور ارایه می‌دهد و تاریخ نگاران و پژوهشگران می‌توانند بر پایه یافته‌های آن در غور نتیجه‌گیری و داوری داشته باشند.

هدف پژوهش

هدف این پژوهش، بررسی تایید یا رد ادعای کتاب «هزاره‌های اهل سنت» است که در آن گفته شده برخی از طایفه‌ها و روستاهای ولایت غور از هزاره‌های اهل سنت هستند. این پژوهش با پرسیدن قومیت مردم از خود مردم روستاهای مورد اشاره و اعضای طایفه‌های ادعایی، تلاش دارد تا با استفاده از طرح پرسش‌نامه و بررسی میدانی، به تأیید یا رد ادعای کتاب مذکور بپردازد. هدف این پژوهش، گردآوری داده‌های محلی و تحلیل دقیق‌تر هویت قومی جوامع یادشده است. هم‌چنین، ارائه تصویری روشن‌تر از نسبت تنوع قومی در ولایت غور و مقایسهٔ آن با ادعاهای منابع نوشتاری موجود نیز از دیگر اهداف این پژوهش به شمار می‌آید.

مسأله پژوهش

پرسش اصلی پژوهش حاضر این است که آیا ادعای کتاب «هزاره‌های اهل سنت» درباره وجود طایفه‌ها و روستاهایی در ولایت غور که از هزاره‌های اهل سنت تشکیل شده‌اند، درست است یا خیر؟ در کتاب مذکور ادعا شده که برخی از طایفه‌های غوری و باشندگان شماری از روستاهای ولایت غور از هزاره‌های اهل سنت هستند. این ادعا از چند جهت مهم است. نخست به دلیل پیچیدگی‌های قومی در افغانستان، شناسایی و شناخت هویت‌های گوناگون در این کشور اهمیت ویژه‌ای دارد. دوم اینکه هر فرد یا گروهی، بدون اینکه از خود مردم غور بپرسد، آنان را به قوم و نژاد خود نسبت داده است که این موضوع حل مسأله قومیت غوریها را دشوارتر کرده است.

این پژوهش بر آن است تا از طریق بررسی‌های میدانی و گفت‌وگو با مردم طایفه‌ها و باشندگان روستاهای مورد اشاره، درستی و یا نادرستی این ادعا را روشن سازد. با واکاوی دقیق هویت قومی باشندگان این مناطق و مقایسه و سنجش آن با داده‌های موجود در کتاب «هزاره‌های اهل سنت» می‌توان به پاسخ روشنی در زمینهٔ وجود یا عدم وجود هزاره‌های اهل سنت در ولایت غور دست یافت.

ضرورت پژوهش

استان غور یکی از مناطق تاریخی و فرهنگی خراسان/افغانستان است که به دلیل جایگاه جغرافیایی ویژه و ساختار پیچیده قومی‌اش، همواره مورد توجه پژوهشگران قوم‌شناسی بوده است. متأسفانه در چند سدهٔ پسین، بسیاری از نویسندگان و پژوهشگران داخلی کوشیده‌اند تا خود را به غوریان نسبت دهند یا غوریان را به تبار خود پیوند بزنند. با توجه به اینکه هویت قومی در افغانستان همواره نقش کلیدی در تحولات اجتماعی و سیاسی ایفا کرده است، پژوهش دربارهٔ قومیت‌های مختلف، به ویژه در مناطقی مانند غور، اهمیت ویژه‌ای دارد. ادعای مطرح‌شده در کتاب *هزاره‌های اهل سنت* که به وجود هزاره‌های اهل سنت در غور اشاره می‌کند، چالش‌های تازه‌ای را در فهم هویت قومی غوریان به‌وجود آورده است.

این پژوهش از این جهت ضروری است که استان غور با وجود پیشینهٔ غنی تاریخی و فرهنگی‌اش، همواره از سوی برخی پژوهشگران قوم‌شناسی به‌صورت مغرضانه و جانب‌دارانه مورد پژوهش و بررسی قرار گرفته است و این امر باعث شده درک مردم از ساختارهای اجتماعی و قومی این منطقه پیچیده‌تر شود. از آنجایی که مسائل قومی در افغانستان به‌طور عمیقی با موضوعات هویتی، سیاسی و اجتماعی پیوند خورده است، این پژوهش میدانی می‌تواند به درک بهتری از هویت و قومیت طایفه‌ها و روستاهای ادعایی در کتاب مذکور کمک شایانی کند.

روش پژوهش

در این پژوهش با بهره‌گیری از روش میدانی - توصیفی و استفاده از ابزار پرسشنامه، به‌صورت نمونه‌گیری ساده، تصادفی و در دسترس از مردم طایفه‌های مورد ادعا وباشندگان روستاهای مورد ادعا در کتاب «هزاره‌های اهل سنت» پرسیده شده است که خود را به کدام قوم وابسته می‌دانند. پس از گردآوری پرسشنامه‌ها، پاسخ‌ها تحلیل و بررسی شده و یافته‌ها و نتایج پژوهش در قالب این گزارش ارائه گردیده است.

پرسشنامه‌ها به‌صورت حضوری و با نشانی کردن خانه‌های روستاهای مورد نظر توزیع شده‌اند و به‌گونه‌ای بوده که از هر خانه یک پرسشنامه تکمیل شود. این پژوهش در بخشی از روستاهایی که در کتاب «هزاره‌های اهل سنت» به‌عنوان محل زندگی هزاره‌های اهل سنت ذکر شده، انجام شده است. هم‌چنین، برای هر طایفه ادعاشده، حداقل در دو یا سه روستا پرسشنامه توزیع شده‌اند.

در این پژوهش، جامعه آماری شامل تمام افراد مورد نظر و مورد ادعا بوده و تلاش شده است که یک نفر از هر خانواده به پرسشنامه پاسخ دهد. با این حال، در برخی موارد به دلیل سفر رفتن یا نبودن اعضای خانواده در روز انجام سرشماری در روستا، تعداد اندکی از خانواده‌ها از سروی بازمانده‌اند. از آنجا که میزان خانواده‌های غایب در روز سروی کمتر از ۵ درصد از کل جمعیت روستاها بوده، می‌توان ادعا کرد که در مجموع بیش از ۹۵ درصد از خانواده‌های ساکن در مناطق مورد ادعا به پرسشنامه‌ها پاسخ داده‌اند.

پیشینهٔ تحقیق و ادبیات موجود

قومیت از واژه «قوم» گرفته شده که ریشه‌ای عربی دارد. بر پایهٔ فرهنگ دهخدا، قوم به معنای گروهی از مردان و زنان، و هم‌چنین به معنای خویشاوندان و نزدیکان به کار می‌رود. در فرهنگ فارسی معین نیز، قوم به گروهی از مردم و خویشاوندانی اشاره دارد که در تاریخ، زبان، و آداب و رسوم مشترک‌اند و همین عوامل باعث پیوند و اتحاد آنان می‌شود. افزون بر این، قوم از لحاظ لغوی به معانی دیگری هم‌چون امت، پیروان، طایفه، عشیره و حتی همسر و امثالهم نیز به کار رفته است (پژوهشی در قومیت غوری‌ها، ۱۴۰۰: ۲۰). جامعه‌شناسان و قوم‌شناسان تعاریف گوناگونی از «قوم» و «قومیت» ارایه کرده‌اند. در یونان باستان، واژه *ethnos*(قوم) به قبیله‌های کوچک اشاره داشت که خارج از شهر زندگی می‌کردند و از حقوق سیاسی شهروندان رسمی برخوردار نبودند. واژه «قومیت» در معنای امروزی خود، واژهٔ نوین در غرب است و به نظر می‌رسد که نخستین بار در سال ۱۹۵۳ میلادی توسط دیوید رایزمن به کار برده شد است (بابا صفری، ۱۳۹۵).

آنتونی اسمیت، جامعه‌شناس، در تعریف «قوم» و «قومیت» می‌گوید: «قوم، یک اجتماع انسانی پیوند خورده با سرزمین مشخص و دارای اسطوره‌های مشترک است که یک یا چند عنصر فرهنگی مشترک و حداقل همبستگی در میان نخبگان آن قوم وجود دارد. در قومیت، صحبت از نژاد یا نیای واقعی نیست، بلکه به هویت و نیایی اشاره می‌شود که مردم آن را باور دارند و به آن اهمیت می‌دهند؛ این هویت از طریق اسطوره‌ها، ارزش‌ها، سنن، رسوم، سبک‌های هنری، قوانین، و نمادها تجسم می‌یابد» (اسمیت، ۱۳۸۳: ۲۵).

از دیدگاه ماکس وبر، قومیت یک باور ذهنی به وجود نیاکان مشترک است که معمولاً بر پایه شباهت‌های فیزیکی، آداب و رسوم، و خاطرات مشترک شکل می‌گیرد (به نقل از فکوهی، ۱۳۹۸: ۲۳۵). فکوهی در پیوست خود بر کتاب «قوم‌شناسی سیاسی» نوشته‌ی رولان برتون، اضافه می‌کند که در گروه دیگر از تعریف‌ها، قوم به‌عنوان یک مجموعه اجتماعی متمایز شناخته می‌شود که ریشه‌های خود را در گذشته و اسطوره‌ها می‌بینند. گروه قومی معمولاً یک نام، آیین‌ها، ارزش‌ها، و زبان مشترک دارد (همان: ۲۳۵). فردریک بارث، قوم به گروهی از مردم اطلاق می‌شود که دارای ارزش‌های بنیادین فرهنگی مشترک هستند و احساس پیوند با یک واقعیت بیرونی دارند که آنها را از دیگران متمایز می‌سازد (همان: ۲۳۵). به گفتهٔ جنکینز، قومیت به گروه‌های اجتماعی اشاره دارد که در ویژگی‌های انتسابی، چه واقعی و چه فرضی، مانند نسب، میراث فرهنگی – زبانی اشتراک دارند (پایدیا، ۱۳۹۸: ۳۶).

ناصر فکوهی به نقل از آنتونی اسمیت، دو رویکرد نظری اساسی را در مورد قومیت قابل شناسایی می‌داند: «ذات‌گرایی» و «ابزارگرایی». ذات‌گرایان بر این باورند که قومیت نتیجه پیوندها و احساسات طبیعی، اصیل و ذاتی است. در مقابل، ابزارگرایان قومیت را ابزاری برای رسیدن به اهداف سیاسی و اقتصادی می‌بینند. از دیدگاه ابزارگرایی، قومیت یک پدیدهٔ مدرن است که با دورهٔ استعمار پیوند دارد. ذات‌گرایی می‌تواند به تبعیض، تعصب نژادی و قومی و حتی جنگ‌های قومی بینجامد. ابزارگرایی نیز ممکن است قومیت را مفهومی ساختگی بداند و باور داشته باشد که همان‌طور که این مفهوم ساخته شده، می‌تواند از میان برداشته شود. این نگرش می‌تواند برای نادیده گرفتن یا نابودی اقوام به‌گونه نادرست مورد بهره‌برداری قرار گیرد (فکوهی، ۱۳۹۸: ۲۳۷-۲۳۸).

توماس جفرسون بارفیلد، نویسنده کتاب *تاریخ فرهنگی-سیاسی افغانستان*، به نقل از فردریک بارث دربارهٔ قومیت می‌نویسد که گروه‌های قومی معمولاً چهار ویژگی اصلی دارند: شباهت‌های زیستی، ارزش‌های فرهنگی بنیادین مشترک، حوزهٔ ارتباطی و تعامل، و تعریفی از «خود» و «دیگری». معیار آخر، یعنی تعریف از خود و دیگری، مهم‌ترین معیار است. بارفیلد معتقد است که در افغانستان قاعدهٔ ساده برای دسته‌بندی گروه‌های قومی وجود دارد: اگر مردمی خود را به نام خاصی بخوانند و همسایگان‌شان نیز با آن موافق باشند، پس آن‌ها همان قومیت را دارند (بارفیلد، ۱۳۹۸: ۴۴-۴۵). به باور بارفیلد، پژوهشگران علوم سیاسی گروه‌های قومی را ثابت، مشخص و ازلی می‌پندارند، در حالی که انسان‌شناسان بر این باورند که قومیت پدیدهٔ تصادفی است و در معرض انتخاب و تغییر قرار دارد. این باور در افغانستان که قومیت از روی ظاهر و به‌طور دیداری قابل تشخیص است، ریشه در این واقعیت دارد که افراد هویت خود را از طریق سبک پوشش به نمایش می‌گذارند (همان: ۴۷-۴۵).

نکتهٔ بسیار اساسی دیگر که در سخن بارفیلد هم به اختصار اشاره شده و بیشتر اوقات از سوی مردم نادیده گرفته می‌شود، مسألهٔ تحول و تغییرپذیری قومیت و یا درک مردم از هویت خود است. قومیت یک موضوع سیال و متغیر است. مردم در طول تاریخ هم شناخت‌شان از خودشان در معرض دگرگونی است و هم به دلیل خویشاوندی و ازدواج‌های فراقومی از نظر تباری دچار دگرگونی می‌شوند. به طول مثال اگر یک شخص یا خانواده فرضا در اصل پشتون بوده و آمده در یک محیط تاجیک نشین زندگی اختیار کرده و از این مردم نسل اندر نسل زن گرفته، پس از نظر تباری دچار تحول شده است. اگر یک شخص مثلا پشتون بوده و در میان تاجیکان زن گرفته، فرزند اینها ۵۰ در صد تاجیک و پنجاه در صد پشتون است. حالا اگر این فرزند که پنجاه درصد تاجیک است، دوباره از تاجیکان زن گرفته، پس فرزند این ریشهٔ پشتونی اش به نیم پدرش است و اگر فرزند آن شخص پشتون ۵۰ درصد تاجیک بود، نواسه اش ۷۵ در صد تاجیک است. اگر همین مساله در چند نسل دوام کند، این خانواده چه از نظر تباری و چه از نظر زبانی و فرهنگی کلا به تاجیک تبدیل می‌شوند. بنابراین حتا اگر کسی در قدیم هزاره هم بوده و ۱۵۰ سال در میان مردم غور زندگی و ازدواج کرده باشد، از نظر تباری مانند دیگر مردم غور شده و حالت اصلی خود را از دست داده است. این موضوع در مورد یک غوری که در مناطق هزاره نشین یا پشتون نشین رفته باشد، نیز به همین پیمانه صادق است.

در مورد غور کتاب‌ها و مقاله‌های بسیاری نوشته شده است. از «طبقات ناصری» نوشتهٔ منهاج السراج جوزجانی گرفته تا «تاریخنامه هرات»، «روضات الجنات فی اوصاف مدینة الهرات»، «زبدة التواریخ»، «جغرافیای حافظ ابرو»، «روضة الصفا»ی خواندمیر، «حبیب‌السیر» میرخواند و دیگر کتاب‌های کهن. در دوران معاصر نیز بسیاری از تاریخ‌نگاران، از علی‌احمد کهزاد تا عبدالحی حبیبی و از میرغلام محمد غبار تا محمد صدیق فرهنگ، در آثار خود به غور و تاریخ و جغرافیای آن پرداخته‌اند. عتیق‌الله پژواک در سال ۱۳۴۲ کتابی به نام «غوریان» نگاشته و عزیز احمد پنجشیری نیز کتابی به نام «جغرافیای تاریخی غور» تألیف کرده است. مولوی غوث‌الدین مستمند غوری اثری با عنوان «تاریخ مختصر غور» دارد و شاه محمود محمود، استاد پیشین دانشگاه کابل، کتابی با نام «تاریخ دولت مستقل غوریان». محمدعابد حیدری کتابی بنام «تاریخ مختصر سیاسی-نظامی غوری‌ها» دارد و نبی ساقی، کتاب‌های به نام «غور و غرجستان» و « قصهٔ شهر فیروز کوه» و رساله‌ای به نام «پژوهشی در قومیت غوری‌ها » دارد که تحقیق حاضر الهام گرفته از رسالهٔ اخیرالذکر

است. هم‌چنین بنیاد «جهان‌داران غوری» و سایت «جام غور» مقالات متعددی دربارۀ غوریان نوشته‌اند. اصغر فروغی ابری نیز کتابی به نام «تاریخ غوریان» نگاشته است. افراد بسیاری دیگر نیز در این زمینه مقاله و کتاب نوشته‌اند که پرداختن به همۀ آن‌ها در اینجا میسر نیست. با این حال، بیشتر این آثار بر گذشته و دورۀ امپراتوری غوریان متمرکز بوده‌اند و اطلاعات منسجم چندانی دربارۀ قومیت غوریان ارائه نکرده‌اند.

تعدادی از قوم‌پژوهان غربی که در دوران معاصر دربارۀ هویت و تبار غوری‌ها نوشته‌اند، بیشتر به بحث درباره ایماق‌ها یا قبیله‌ها فیروزکوهی، تیمنی، جمشیدی و دیگر طایفه‌ها پرداخته‌اند. آنها ایماق را از پیش به عنوان یک قوم جداگانه فرض کرده‌اند. برخی از تاریخ‌نگاران و نویسندگان، ایماق را یک قوم خاص ندانسته و اشاره کرده‌اند که در زبان‌های ترکی و مغولی، «ایماق» و «اویماق» به معنای کلی قبیله و طایفه است (دهخدا، معین، عمید) و نیز شیر محمد خان (۱۳۱۱: ۱۷۷ و ۳۱۵)، بیلیو (۱۳۹۱: ۶۳-۱۶۴) و اسفزاری (۱۳۳۸، ج ۲: ۱۵۰). برخی از قوم‌شناسان غربی ایماق را مانند اقوام هزاره، تاجیک و ازبک به عنوان یک قوم جداگانه فرض کرده و پژوهش‌های خود را بر این پیش‌فرض استوار ساخته‌اند. در نوشته‌های تاریخی و مردم‌شناسی، قبیله‌ها غور با نام‌های فیروزکوهی، تیمنی، جمشیدی، زوری و دیگر طایفه‌ها شناخته شده‌اند. برخی از نویسندگان هزاره نیز که در ۲۰ سال پسین در پیوند با تاریخ غور کتاب نوشته‌اند، همانند نویسندگان دیگر اقوام، تلاش کرده‌اند تا بر اساس قومیت خود دربارۀ قومیت مردم غور داوری کنند. این همان قضاوتی است که پیشتر توضیح داده شد. هر نویسنده اگر تاجیک، هزاره، پشتون یا ترک بوده، غوری‌ها را به قوم خود نسبت داده است. هم‌چنین باید یادآور شد که در مطالعات مربوط به قومیت در افغانستان، معمولاً نقش مادر و سهم او در آمیختگی‌ها و پیوندهای قومی نادیده گرفته شده است. این نگاه مانند بسیاری از برداشت‌های پدرسالارانه به قومیت است که به پیوندهای خویشاوندی فراتر از قومیت در طول سده‌ها توجهی نکرده‌اند (پژوهشی در قومیت غوری‌ها، ۱۴۰۰: ۲۶). هم‌چنین در کتاب «شناسنامه غور» که در سال ۱۳۹۹ توسط جمعی از فرهنگیان غور منتشر شد، مقاله‌ای است به نام «قومیت و نژاد غوری‌ها» از نبی ساقی که در آن قومیت غوری‌ها و ادعاهای گوناگون در مورد تبار مردم غور به شیوۀ کتابخانه‌ای بررسی شده است (شناسنامه غور، ۱۳۹۹: ۸۱).

پژوهش حاضر اما رویکردی متفاوت را پیش گرفته است و تا جایی که من اطلاع دارم، تنها پژوهش و مقالۀ دیگر که با این روش دربارۀ قومیت غوری‌ها کار شده، رساله استاد نبی ساقی با عنوان «پژوهشی در قومیت غوری‌ها» است و بس. در آن تحقیق، همۀ باشندگان غیر هزاره‌ی غور به‌عنوان مبنا در نظر گرفته شده‌بودند. اما در این پژوهش، از ۸۶۹ نفر از مردم طایفه‌ها و باشندگان روستاهای که در کتاب «هزاره‌های اهل سنت» به عنوان هزاره اهل سنت خوانده شده‌اند، در ۲۷ روستا از هفت شهرستان غور پرسیده شده است که خود را وابسته به کدام قوم می‌دانند.

چوکات نظری تحقیق

در پاسخ به این پرسش که قومیت چیست و یا اینکه مردم یک کشور، ولایت، یا روستا به کدام قوم و تبار تعلق دارند، می‌توان از سه روش یا رویکرد بهره گرفت، چنانکه در پیشینۀ پژوهش دیده شد. دیدگاه نخست

قومیت را یک پدیدهٔ بیولوژیکی ثابت، تغییرناپذیر و خالص می‌داند. پیروان این دیدگاه برای تعیین اینکه مردمان یک منطقه از کدام قوم هستند، به منابع تاریخی و اسناد باستانی رجوع می‌کنند تا ثابت کنند در گذشته، آن مردم به چه قومی تعلق داشته‌اند. سپس این یافته‌های تاریخی را با مردمان امروزی آن منطقه تطبیق می‌دهند و نتیجه‌گیری می‌کنند که بر اساس شواهد تاریخی، این مردم به فلان قوم تعلق دارند (پژوهشی در قومیت غوری‌ها، ۱۴۰۰: ۲۸). مشکل این روش این است که رابطهٔ میان اسناد تاریخی قدیم را با مردمان کنونی، اثبات نمی‌تواند و لذا کمک چندانی به وضعیت نمی‌کند.

دیدگاه دوم به بررسی قومیت از راه مطالعه ژن‌ها و DNA افراد می‌پردازد تا نژاد و در نتیجه، قومیت آنان را مشخص کند. اگرچه این روش از لحاظ علمی می‌تواند تا حدی برای افراد کارساز باشد، اما یافته‌های کنونی بیشتر نشان می‌دهند که انسان‌ها، کم و بیش همه، با یک‌دیگر در آمیخته‌اند. برای نمونه، اسد بودا از لعل و سرجنگل غور و چند نفر دیگر نتایج آزمایش‌های DNA خود را در شبکه‌های اجتماعی به اشتراک گذاشته‌اند که بیشتر نمایانگر اختلاط قومی در افغانستان بوده است. این روش، نشان داده که میان اقوام مختلف آمیختگی‌های نژادی وجود دارد، اما قادر به تفکیک کامل قومیت‌هایی چون تاجیک، هزاره، پشتون، بلوچ، نورستانی، ترکمن و دیگران از یکدیگر نیست (پژوهشی در قومیت غوری‌ها، ۱۴۰۰: ۲۸). بنابراین، این روش نیز نمی‌تواند به‌طور قطعی قومیت مردمان را مشخص کند، زیرا قومیت بیشتر یک گفتمان فرهنگی است تا یک موضوع صرفاً بیولوژیکی و ژنتیکی.

دیدگاه سوم در مورد قومیت، آن را نه به‌عنوان یک واقعیت عینی و بیولوژیک، بلکه به‌عنوان نوعی احساس تعلق و پیوند واقعی یا تخیلی می‌داند که افراد نسبت به نسل و نژاد خود دارند. این مسأله بیشتر جنبه فرهنگی و ذهنی دارد تا بیولوژیک و عینی(اسمیت، ۱۳۸۳: ۲۵). بر پایه این دیدگاه، هر فرد یا گروه، بر پایهٔ احساس و شناخت خود، همان قومیتی را دارد که خود را به آن متعلق می‌داند. بنابراین، اگر کسی خود را تاجیک بداند، تاجیک به شمار می‌آید و اگر خود را افغان بخواند، افغان دانسته شده و اگر فردی احساس کند هزارهٔ اهل سنت است، به عنوان هزارهٔ اهل سنت شناخته می‌شود. قومیت افراد، بر اساس این دیدگاه، همان قوم است که خودشان خود را به آن منسوب بدانند. چهارچوب نظری این پژوهش نیز همین دیدگاه سوم است. در غور، از مردم طایفه‌ها و باشندگان روستاهایی که در کتاب «هزاره‌های اهل سنت» به عنوان هزاره اهل سنت مطرح شده اند، پرسیده شده است که از چه قومیتی هستند؟ هر پاسخی که خودشان به این پرسش داده‌اند، همان پاسخ به عنوان معیار شناخت و قضاوت در نظر گرفته شده است. بدیهی است که قومیت هر فرد را خود او تعیین و اعلام می‌کند. با توجه به نظریهٔ سوم که مرور شد، معیار تشخیص قومیت هر شخص، خود اوست. این پژوهش نیز بر اساس همین دیدگاه و چوکات نظری انجام گرفته است.

تحلیل و بررسی داده‌ها

در این پژوهش، از ۸۶۹ نفر در ۲۷ روستا از ۷ شهرستان (ولسوالی) غور، با توزیع پرسشنامه، قومیت‌شان پرسیده شده است. در این بخش، جزئیات پاسخ‌های آن‌ها و ویژگی‌های فردی پرسش‌شوندگان به‌طور مفصل مرور می‌شود.

تعداد پرسش شوندگان با تفکیک هر ولسوالی و روستاهای مربوطه

در این پژوهش، همان‌طور که گفته شد، ۸۶۹ نفر از ۲۷ روستا در ۷ شهرستان به صورت حضوری به پرسشنامه‌ها پاسخ گفته اند. از این میان، ۲۳۴ نفر (۲۶,۹۳٪) از واحد اداری فیروزکوه (مرکز ولایت) بوده‌اند که شامل روستاهای زیر می‌شوند: تغهٔ تیمور- شاه حسین‌ها ۶۴ نفر، جر سرخ سفلی ۳۲ نفر، اختەخانه سفلی ۳۱ نفر، تغهٔ تیمور- بلاس‌ها ۳۰ نفر، صوفک- نوآباد ۲۴ نفر، صوفک- هزاربیک ۲۳ نفر، اختەخانه علیا ۱۸ نفر و تغهٔ تیمور- شاه رضا ۱۲ نفر. از شهرستان تولک، ۱۶۳ نفر (۱۸,۷۶٪) که شامل روستاهای تگاب اشنان ۵۷ نفر، سنگ خلق ۳۹ نفر، دای-هزاره‌ها ۳۵ نفر و عقاب‌خانه ۳۲ نفر به پرسشنامه‌ها پاسخ گفته اند. در شهرستان دولتیار، ۱۳۶ نفر (۱۵,۶۵٪) از روستاهای خوشک‌های شینیه ۴۹ نفر، دهمرده-تیل قربان ۳۰ نفر، دهمرده-اولاد پیوندی ۱۸ نفر، تەخم علیا ۱۵ نفر، تەخم سفلی ۱۳ نفر و چکاب ۱۱ نفر شرکت کرده‌اند. همچنین، در شهرستان تیوره، ۱۲۰ نفر (۱۳,۸۱٪) از روستاهای خرنک ۳۵ نفر، باغ‌نو ۳۱ نفر، خواجه‌غار سفلی ۳۰ نفر و خم‌زرد ۲۴ نفر، و در شهرستان مرغاب، ۱۱۸ نفر (۱۳,۵۸٪) از روستاهای اسفرمان ۵۴ نفر، جنداک ۳۲ نفر و جه ۳۲ نفر پرسشنامه را تکمیل کرده‌اند. در شهرستان چهارسده، ۸۰ نفر (۹,۲٪) از روستای سفیدک و در شهرستان دولینه، ۱۸ نفر (۲,۰۷٪) از روستای تیل‌بدل در این پژوهش شرکت داشته‌اند.

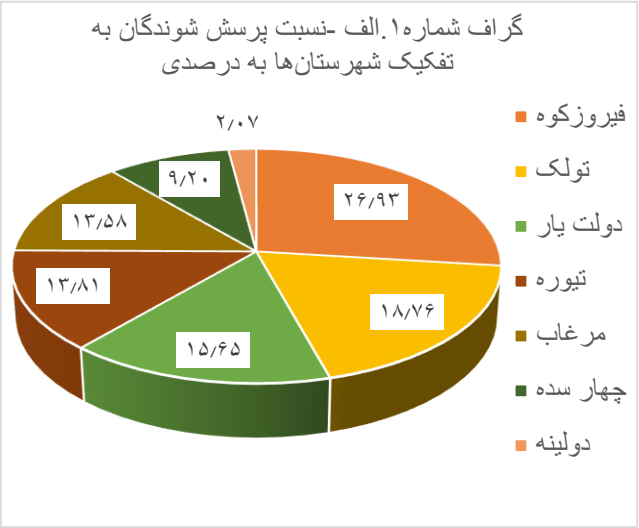

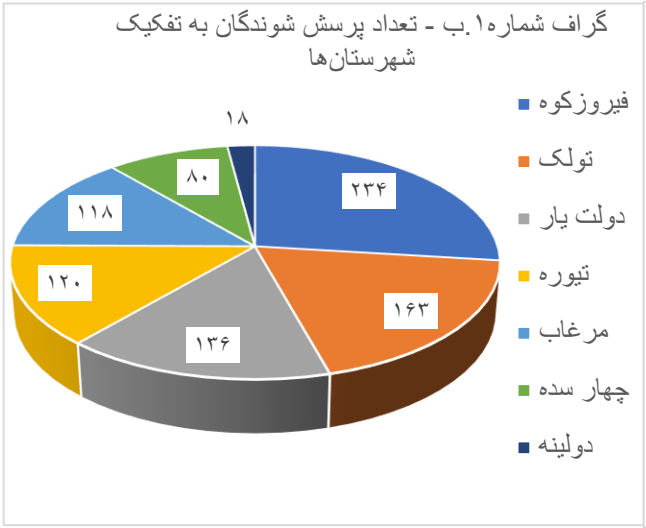

جدول شماره۱- تعداد و درصد پرسش شوندگان به تفکیک شهرستان و روستا				
نام شهرستان	نام قریه	تعداد(نفر)		درصد
فیروزکوه	تغۀ تیمور- شاه حسین‌ها	۶۴	۲۳۴	٪۲۶,۷۳
	جر سرخ سفلی	۳۲		
	اخته خانه سفلی	۳۱		
	تغۀ تیمور-بلاسها	۳۰		
	صوفک-نوآباد	۲۴		
	صوفک- هزاربیک	۲۳		
	اخته خانه علیا	۱۸		
	تغۀ تیمور-شاه رضا	۱۲		
تولک	تگاب اشنان	۵۷	۱۶۳	٪۱۸,۷۶
	سنگ خُلق	۳۹		
	دای-هزاره ها	۳۵		
	عقابخانه	۳۲		
دولت یار	خوشک های شینیه	۴۹	۱۳۶	٪۱۵,۶۵
	دهمرده-تیل قربان	۳۰		
	دهمرده-اولاد پیوندی	۱۸		
	ته‌خم علیا	۱۵		
	ته‌خم سفلی	۱۳		
	چکاب	۱۱		

تیوره	خرنک	۳۵	۱۲۰	٪۱۳,۸۱
	باغ نو	۳۱		
	خواجه غار سفلی	۳۰		
	خم زرد	۲۴		
مرغاب	اسفرمان	۵۴	۱۱۸	٪۱۳,۵۸
	جنداک	۳۲		
	جه	۳۲		
چهار سده	سفیدک	۸۰	۸۰	٪۹,۲
دولینه	تیل بدل	۱۸	۱۸	٪۲,۰۷
مجموع		۸۶۹		٪۱۰۰

جنسیت پرسش شوندگان

جامعه غور سنتی و بسته است و مشارکت زنان و دختران در پر کردن پرسش‌نامه‌ها، به‌ویژه وقتی شماره تلفن نیز باید درج شود، کار ساده و آسان نیست. با این حال، با وجود محدودیت‌ها، سهم زنان در این پژوهش چشمگیر بوده است. به طور کلی، از میان ۸۶۹ نفر شرکت‌کننده، ۷۳۶ نفر (٪۸۴,۷) مرد و ۱۳۳ نفر (٪۱۵,۳) زن بوده‌اند.

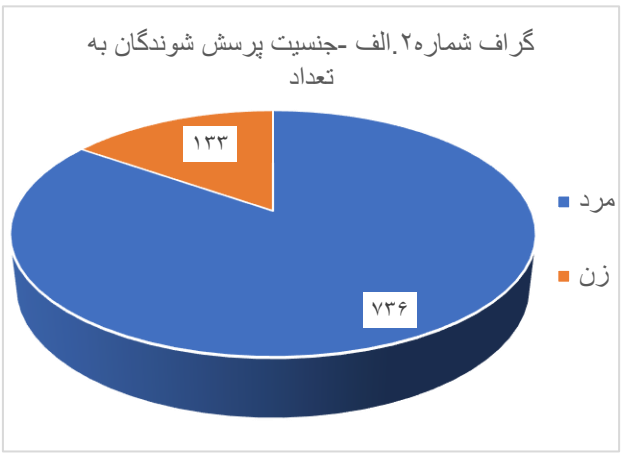

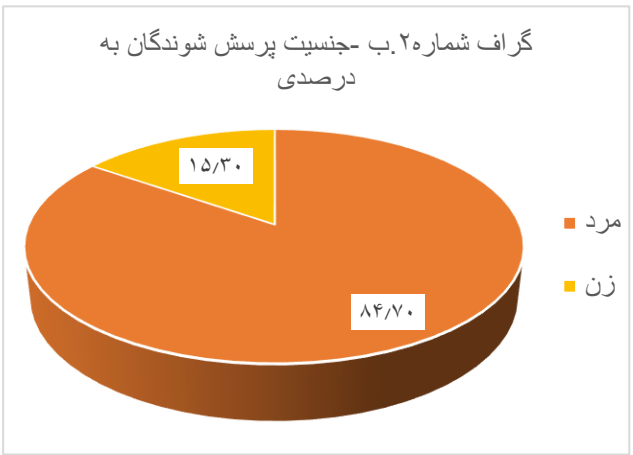

جدول شماره۲-جنسیت پرسش شوندگان به درصدی و تعداد		
جنسیت	تعداد	درصدی
مرد	۷۳۶ نفر	٪۸۴,۷
زن	۱۳۳ نفر	٪۱۵,۳
مجموع	۸۶۹ نفر	٪۱۰۰

سن پرسش شوندگان

برای فهم رابطه میان احساس تعلق به قوم خاص و سن و سال و برای نشان دادن اینکه پاسخ‌دهندگان در چه گروه‌های سنی قرار داشتند، از نظر سن به چهار گروه سنی تقسیم شده اند. از میان ۸۶۹ پاسخ‌دهنده که در این پژوهش شرکت داشته‌اند، ۲۸۹ نفر (٪۳۳,۲۶) در گروه سنی ۱۸ تا ۳۰ سال، ۳۱۷ نفر (٪۳۶,۴۸) در گروه سنی ۳۱ تا ۴۵ سال، ۱۷۶ نفر (٪۲۰,۲۵) در گروه سنی ۴۶ تا ۶۰ سال، و ۸۷ نفر (٪۱۰,۰۱) بالای ۶۰ سال بوده‌اند.

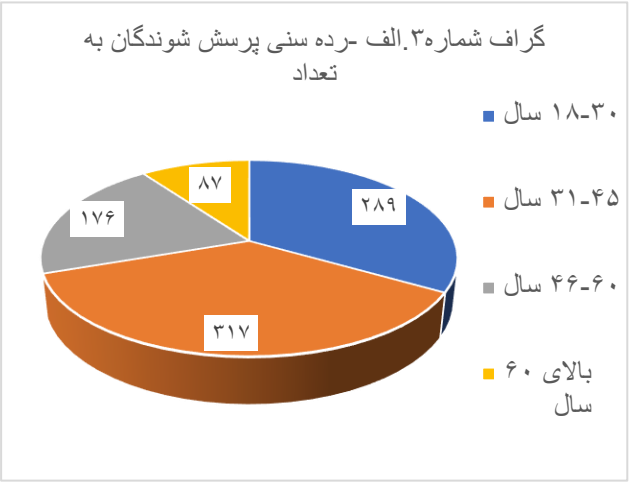

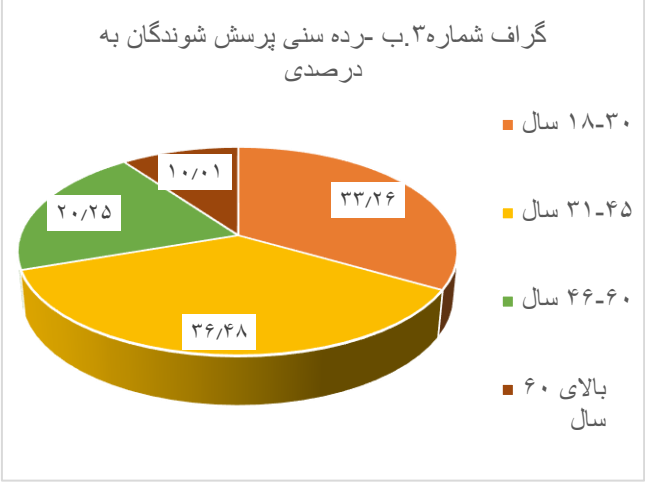

جدول شماره۳-رده سنی پرسش شوندگان به درصدی و تعداد		
رده سنی به سال	تعداد	درصدی
۱۸-۳۰ سال	۲۸۹ نفر	٪۳۳,۲۶
۳۱-۴۵ سال	۳۱۷ نفر	٪۳۶,۴۸
۴۶-۶۰ سال	۱۷۶ نفر	٪۲۰,۲۵
بالای ۶۰ سال	۸۷ نفر	٪۱۰,۰۱
مجموع	۸۶۹ نفر	٪۱۰۰

سطح تحصیلی پرسش شوندگان

برای فهم رابطه میان سطح تحصیل و احساس تعلق به قوم خاص، سطح تحصیل پرسش شوندگان نیز اهمیت پیدا می‌کند. از میان ۸۶۹ نفری که در این پژوهش شرکت داشته‌اند، ۴۸۸ نفر (٪۵۶,۱۶) بی‌سواد بوده‌اند. ۶۸ نفر (٪۷,۸۲) دارای تحصیلات ابتدایی، ۱۳۳ نفر (٪۱۵,۳) دارای تحصیلات متوسطه، ۷۲ نفر (٪۸,۲۹) دیپلم یا دارای مدرک صنف ۱۲، ۶۸ نفر (٪۷,۸۳) دارای مدرک فوق بکلوریا یا ۱۴ پاس، ۲۹ نفر (٪۳,۳۴) دارای مدرک کارشناسی یا لیسانس و ۱۱ نفر (٪۱,۲۶) تحصیلات خصوصی یا دینی داشته‌اند. لازم به ذکر است که سطح تحصیلات پرسش‌شوندگان از پیش تعیین نشده بود و نسبت میان تعداد افرادی که دارای درجات تحصیلی مختلف بودند، به‌طور تصادفی شکل گرفته است.

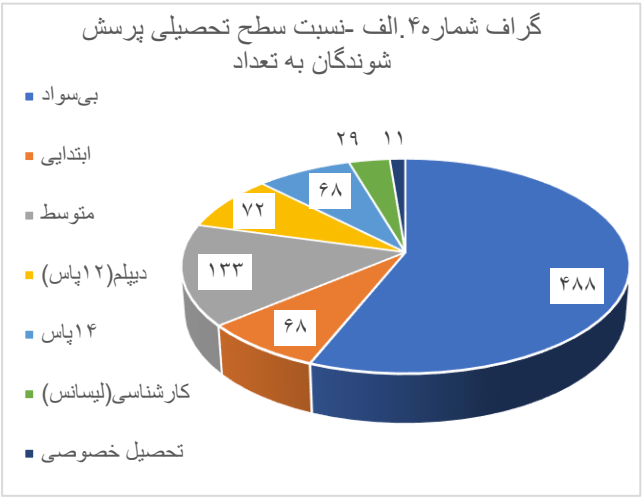

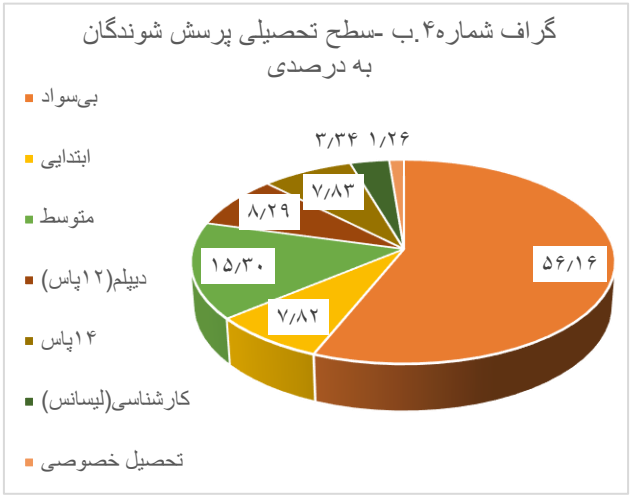

جدول شماره۴-نسبت سطح تحصیلی پرسش شوندگان به درصدی و تعداد		
درجه تحصیل	تعداد(نفر)	درصدی
بی‌سواد	۴۸۸	٪۵۶,۱۶
ابتدایی	۶۸	٪۷,۸۲
متوسط	۱۳۳	٪۱۵,۳۰
دیپلم(۱۲پاس)	۷۲	٪۸,۲۹
۱۴پاس	۶۸	٪۷,۸۳
کارشناسی(لیسانس)	۲۹	٪۳,۳۴
کارشناسی ارشد(ماستر)	۰	۰
دکترا	۰	۰
تحصیل خصوصی	۱۱	٪۱,۲۶
مجموع	۸۶۹	٪۱۰۰

قومیت پرسش شوندگان(پرسش اصلی پژوهش)

در این پژوهش، همان‌طور که تا اینجا خواندید، ۸۶۹ نفر شرکت کرده و فرم‌ها را تکمیل کرده‌اند. از میان آن‌ها، از ۲۷ روستا در ۷ شهرستان غور، ۶۷۰ نفر (٪۷۷/۱) قومیت خود را تاجیک معرفی کرده‌اند. ۹۶ نفر دیگر (٪۱۱/۰۵) خود را ایماق دانسته‌اند و ۷۳ نفر (٪۸/۴) نیز خود را هزارهٔ اهل سنت معرفی کرده‌اند. همچنین ۲۱ نفر (٪۲/۴۱) گفته‌اند که افغان(پشتون) هستند، ۴ نفر (٪۰/۴۷) خود را سید معرفی کرده‌اند، ۱ نفر (٪۰/۱۲) خود را ترکمن گفته و ۴ نفر دیگر (٪۰/۴۷) خود را از سایر اقوام معرفی کرده‌اند.

در پرسش‌نامه، به ترتیب گزینه‌هایی برای انتخاب قومیت شامل پشتون، ازبک، ایماق، بلوچ، هزارهٔ اهل سنت، ترکمن، تاجیک، سید، و سایر اقوام وجود داشت. شایان ذکر است که به پرسش‌گران توضیح داده شده بود که هنگام توزیع و تکمیل فرم‌ها، هیچ‌گونه جهت‌گیری یا تلقینی نداشته باشند و فرصت دهند تا افراد به‌طور آزادانه و به دلخواه خود، قومیت‌شان را مشخص کنند. همچنین، اگر پرسش‌شونده قادر به نوشتن نباشد،

پرسش‌گر باید با امانت‌داری کامل، آنچه را که فرد می‌گوید، در فرم درج کند. لازم به ذکر است که در هیچ‌یک از مراحل این پژوهش، از پرسش‌گران دربارهٔ قومیت خودشان پرسشی مطرح نشده است.

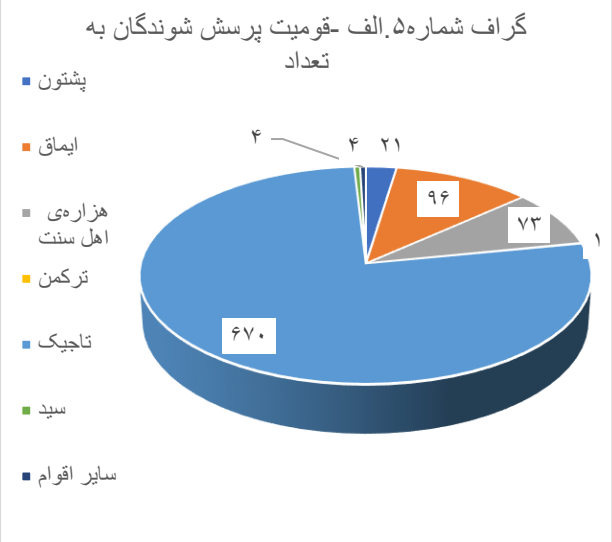

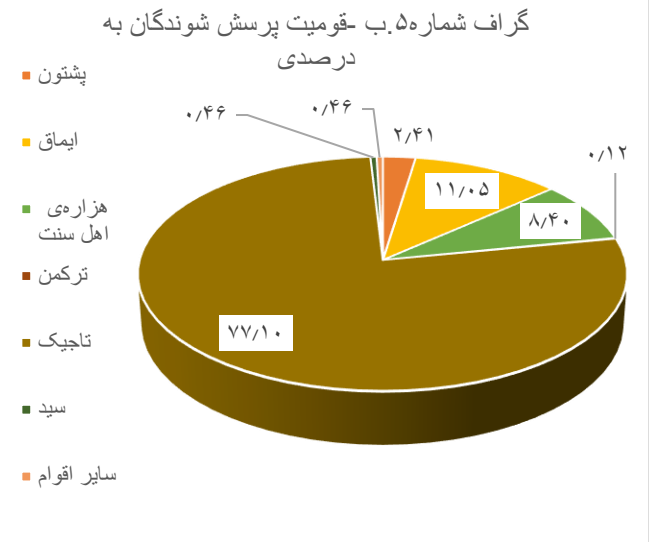

جدول شماره۵-قومیت پرسش شوندگان به درصدی و تعداد		
قومیت	تعداد(نفر)	درصدی
پشتون	۲۱	٪۲,۴۱
ازبک	۰	۰
ایماق	۹۶	٪۱۱,۰۵
بلوچ	۰	
هزارهٔ اهل سنت	۷۳	٪۸,۴۰
ترکمن	۱	٪۰,۱۲
تاجیک	۶۷۰	٪۷۷,۱۰
سید	۴	٪۰,۴۶
سایر اقوام	۴	٪۰,۴۶

مجموع	۸۶۹	٪۱۰۰

پاسخ هر روستا در مورد قومیت

عنوان قبلی به‌صورت کلی نشان داد که در این پژوهش چند نفر شرکت داشته‌اند و چه درصدی از پاسخ‌دهندگان خود را وابسته به کدام قوم دانسته‌اند. در این بخش، پاسخ‌های مربوط به هر روستا به‌طور جداگانه آورده خواهد شد تا روشن شود که بر اساس شاخص قومیت و روستاها، دیدگاه پاسخ‌دهندگان چگونه بوده است.

فیروز کوه: در واحد اداری فیروزکوه هشت روستا سروی گردیده اند که نتایج شان از این قرار است: **تغۀ تیمور - شاه حسین‌ها** :از ۶۴ نفری که به پرسشنامه پاسخ داده‌اند، ۳۵ نفر (۵۴/۶۹٪) خود را تاجیک و ۲۹ نفر (۴۵/۳۱٪) خود را ایماق معرفی کرده‌اند. **جر سرخ سفلی** :از ۳۲ پاسخ‌دهنده، ۱۹ نفر (۵۹/۳۷٪) خود را هزارۀ اهل سنت و ۱۳ نفر (۴۰/۶۳٪) خود را تاجیک دانسته‌اند. **اخته خانه سفلی** :۳۱ نفر به پرسشنامه پاسخ داده‌اند که از این تعداد، ۲۴ نفر (۷۷/۴۲٪) خود را تاجیک، ۴ نفر (۱۲/۹٪) ایماق، ۲ نفر (۶/۴۵٪) هزاره اهل سنت و ۱ نفر (۳/۲۳٪) خود را ترکمن معرفی کرده‌اند. **تغۀ تیمور - بلاسها** :از ۳۰ پاسخ‌دهنده، ۱۸ نفر (۶۰٪) خود را تاجیک و ۱۲ نفر (۴۰٪) خود را ایماق معرفی کرده‌اند. **صوفک - نوآباد** :از ۲۴ نفر پاسخ‌دهنده، ۲۳ نفر (۹۵/۸٪) خود را تاجیک و ۱ نفر (۴/۲٪) خود را هزارۀ اهل سنت دانسته‌اند. **صوفک - هزاربیک** :از ۲۳ پاسخ‌دهنده، ۱۹ نفر (۸۲/۶۱٪) خود را تاجیک و ۴ نفر (۱۷/۳۹٪) خود را ایماق معرفی کرده‌اند. **اخته خانه علیا** :۱۸ نفر به پرسشنامه پاسخ داده‌اند که از این میان ۱۰ نفر (۵۵/۵۵٪) خود را تاجیک، ۶ نفر (۳۳/۳۳٪) خود را هزارۀ اهل سنت و ۲ نفر (۱۱/۱۲٪) خود را ایماق دانسته‌اند. **تغۀ تیمور – شاه‌رضا** :از ۱۲ نفر پاسخ‌دهنده، ۷ نفر (۵۸/۳۳٪) خود را تاجیک و ۵ نفر (۴۱/۶۷٪) خود را ایماق معرفی کرده‌اند.

تولک: در شهرستان تولک چهار روستا سروی گردیده‌اند که نتایج‌شان از این قرار است: **تگاب اشنان:** ۵۷ نفر به پرسشنامه پاسخ داده‌اند که از این تعداد، ۴۵ نفر (۷۸/۹۵٪) خود را تاجیک، ۱۱ نفر (۱۹/۳٪) خود را هزارۀ اهل سنت، و ۱ نفر (۱/۷۵٪) خود را افغان(پشتون) معرفی کرده‌اند. **سنگ خلق:** از ۳۹ نفر که به پرسشنامه پاسخ داده‌اند، همگی (۱۰۰٪) خود را تاجیک معرفی کرده‌اند. **دای-هزاره‌ها:** ۳۵ نفر به پرسشنامه پاسخ داده‌اند که از این میان، ۳۳ نفر (۹۴/۲۹٪) خود را هزاره اهل سنت و ۲ نفر (۵/۷۱٪) خود را تاجیک معرفی کرده‌اند. **عقاب‌خانه:** از ۳۲ نفر که به پرسشنامه پاسخ داده‌اند، همگی (۱۰۰٪) خود را تاجیک گفته‌اند.

شایان ذکر است که در میان این چهار روستا، ساکنان تگاب اشنان و دای-هزاره‌ها در کتاب "هزاره‌های اهل سنت" به عنوان هزاره اهل سنت معرفی شده بودند. همچنین، در دو روستای دیگر (سنگ خلق و عقاب‌خانه)، طایفه‌ای به نام گُدر یا گذر زندگی می‌کند که در همان کتاب به عنوان هزاره‌های اهل سنت یاد شده‌اند.

دولتیار: در شهرستان دولتیار شش روستا سروی گردیده‌اند که نتایج‌شان از این قرار است: **خوشک‌های شینیه:** ۴۹ نفر به پرسشنامه پاسخ داده‌اند که از این میان، ۳۱ نفر (۶۳٫۲۷٪) خود را تاجیک و ۱۸ نفر (۳۶٫۷۳٪) خود را ایماق معرفی کرده‌اند. **دهمرده-تیل قربان:** از ۳۰ نفر که به پرسشنامه پاسخ داده‌اند ۲۶ نفر (۸۶٫۶۷٪) خود را تاجیک، ۳ نفر (۱۰٪) خود را ایماق و ۱ نفر (۳٫۳۳٪) خود را هزاره اهل سنت گفته‌اند. **دهمرده-اولادپیوند:** از ۱۸ پاسخ‌دهنده، ۱۴ نفر (۷۷٫۷۸٪) خود را تاجیک و ۴ نفر (۲۲٫۲۲٪) خود را ایماق معرفی کرده‌اند. **ته‌خم علیا:** ۱۵ نفر به پرسشنامه پاسخ داده‌اند که ۹ نفر (۶۰٪) خود را تاجیک و ۶ نفر (۴۰٪) خود را ایماق گفته اند. **ته‌خم سفلی:** از ۱۳ پاسخ‌دهنده، همه‌ی ۱۳ نفر (۱۰۰٪) خود را تاجیک گفته‌اند. **چکاب:** ۱۱ نفر به پرسشنامه پاسخ داده‌اند که ۸ نفر (۷۲٫۷۳٪) خود را تاجیک و ۳ نفر (۲۷٫۲۷٪) خود را ایماق معرفی کرده‌اند.

شایان ذکر است که در میان این شش روستا، باشندگان ته‌خم علیا و ته‌خم سفلی در کتاب "هزاره‌های اهل سنت" هزاره اهل سنت خوانده شده‌اند. همچنین، در روستاهای اولاد پیوندی و تیل قربان، طایفه دهمرده، در روستای خوشک‌های شینیه طایفه خوشک، و در روستای چکاب طایفه بای بوقه زندگی می‌کنند، که هر سه طایفه در کتاب مذکور هزاره اهل سنت خوانده شده‌اند.

تیوره: در شهرستان تیوره چهار روستا سروی گردیده‌اند که نتایج آن‌ها به شرح زیر است: **خرنک:** ۳۵ نفر به پرسشنامه پاسخ داده‌اند که از میان آن‌ها، ۳۲ نفر (۹۱٫۴۳٪) خود را تاجیک، ۲ نفر (۵٫۷۱٪) خود را افغان(پشتون) و ۱ نفر (۲٫۸۶٪) خود را سید معرفی کرده‌اند. **باغ نو:** از ۳۱ نفر که به پرسشنامه پاسخ داده‌اند همه‌ی ۳۱ نفر (۱۰۰٪) خود را تاجیک گفته‌اند. **خواجه غار سفلی:** از ۳۰ نفر که به پرسشنامه پاسخ داده‌اند همه‌ی آن‌ها (۱۰۰٪) خود را تاجیک خوانده اند. **خم زرد:** از ۲۴ نفر که به پرسشنامه پاسخ داده‌اند تمامی آن‌ها (۱۰۰٪) خود را تاجیک معرفی کرده‌اند. شایان ذکر است که باشندگان هر چهار روستای فوق الذکر در کتاب "هزاره‌های اهل سنت" هزاره اهل سنت خوانده شده‌اند.

مرغاب :در شهرستان مرغاب سه روستا سروی گردیده اند که نتایج آن به شرح زیر است: **اسفرمان:** ۵۴ نفر به پرسشنامه پاسخ داده‌اند که از این تعداد، ۵۱ نفر (۹۴٫۴۴٪) خود را تاجیک و ۳ نفر (۵٫۵۶٪) خود را سید معرفی کرده‌اند. **جنداک:** از ۳۲ نفر که به پرسشنامه پاسخ داده‌اند، ۲۸ نفر (۸۷٫۵٪) خود را تاجیک و ۴ نفر (۱۲٫۵٪) خود را ایماق معرفی کرده‌اند. **جه:** از ۳۲ نفر که به پرسشنامه پاسخ داده‌اند، همه آن‌ها (۱۰۰٪) خود را تاجیک خوانده اند.

چهارسده: در شهرستان چهارسده تنها یک روستا سروی گردیده است که نتایج آن به شرح زیر است: **سفیدک:** از ۸۰ نفر که به پرسشنامه پاسخ داده‌اند، ۷۴ نفر (۹۲٫۵٪) خود را تاجیک، ۲ نفر (۲٫۵٪) خود را ایماق و ۴ نفر (۵٪) خود را از سایر اقوام معرفی کرده‌اند. باید یاد آور شد که باشندگان روستای نامبرده در کتاب "هزاره‌های اهل سنت" هزاره اهل سنت خوانده شده‌اند.

دولینه: در شهرستان دولینه نیز تنها یک روستا سروی شده است و نتایج آن به این شکل است: **تیل بدل:** از ۱۸ نفر که به پرسشنامه پاسخ داده‌اند، همه آن‌ها (۱۰۰٪) خود را افغان(پشتون) گفته اند. قابل ذکر است که باشندگان روستای نامبرده در کتاب "هزاره‌های اهل سنت" هزاره اهل سنت خوانده شده‌اند.

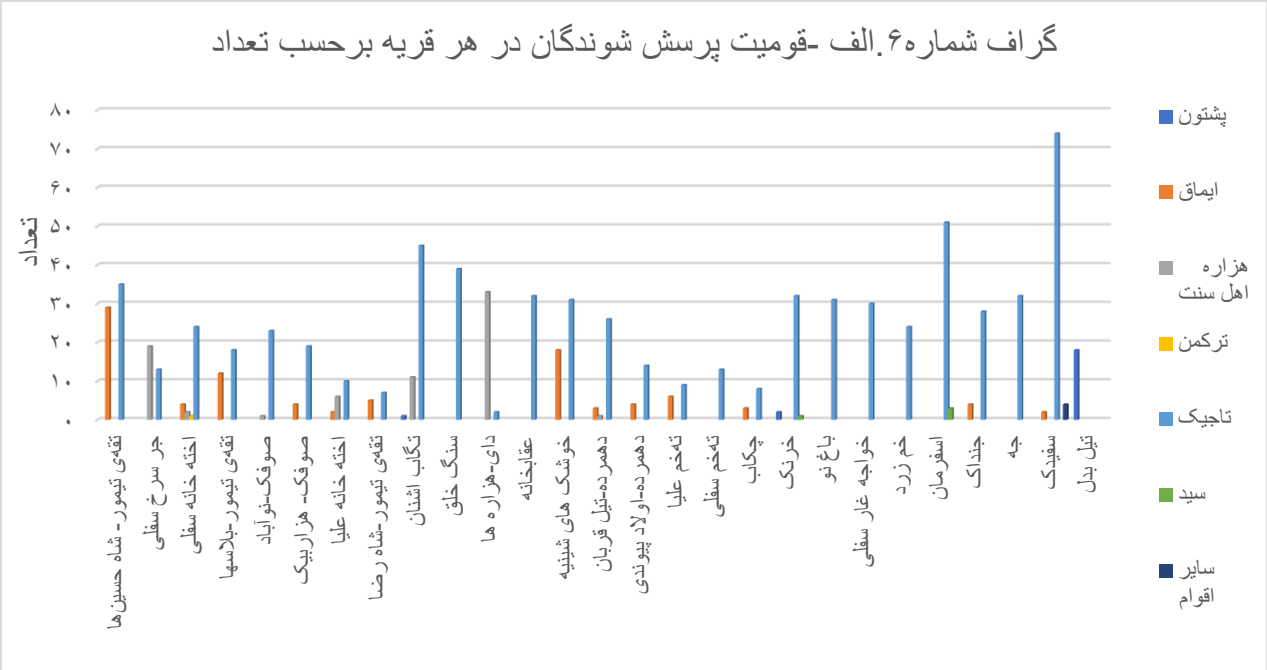

جدول شماره۶.الف -قومیت پرسش شوندگان در هر قریه بر حسب تعداد

شماره	نام شهرستان	قومیت / نام روستا	پشتون	ایماق	هزاره اهل سنت	ترکمن	تاجیک	سید	سایر اقوام
۱	فیروزکوه	تقه‌ی تیمور- شاه حسین‌ها		۲۹			۳۵		
۲		جر سرخ سفلی			۱۹		۱۳		
۳		اخته خانه سفلی		۴	۲	۱	۲۴		
۴		تغهٔ تیمور-بلاسها		۱۲			۱۸		
۵		صوفک-نوآباد			۱		۲۳		
۶		صوفک- هزاربیک		۴			۱۹		
۷		اخته خانه علیا		۲	۶		۱۰		
۸		تغهٔ تیمور-شاه رضا		۵			۷		
۹	تولک	تگاب اشنان	۱		۱۱		۴۵		

۱۰		سنگ خلق					۳۹		
۱۱		دای-هزاره ها		۳۳			۲		
۱۲		عقابخانه					۳۲		
۱۳	دولتیار	خوشک های شینیه		۱۸			۳۱		
۱۴		دهمرده-تیل قربان		۳	۱		۲۶		
۱۵		دهمرده-اولاد پیوندی		۴			۱۴		
۱۶		ته‌خم علیا		۶			۹		
۱۷		ته‌خم سفلی					۱۳		
۱۸		چکاب		۳			۸		
۱۹	تیوره	خرنک	۲				۳۲	۱	
۲۰		باغ نو					۳۱		
۲۱		خواجه غار سفلی					۳۰		
۲۲		خم زرد					۲۴		
۲۳	مرغاب	اسفرمان					۵۱	۳	
۲۴		جنداک		۴			۲۸		
۲۵		جه					۳۲		
۲۶	چهارسده	سفیدک		۲			۷۴		۴
۲۷	دولینه	تیل بدل	۱۸						
مجموع هرقوم			۲۱	۹۶	۷۳	۱	۶۷۰	۴	۴

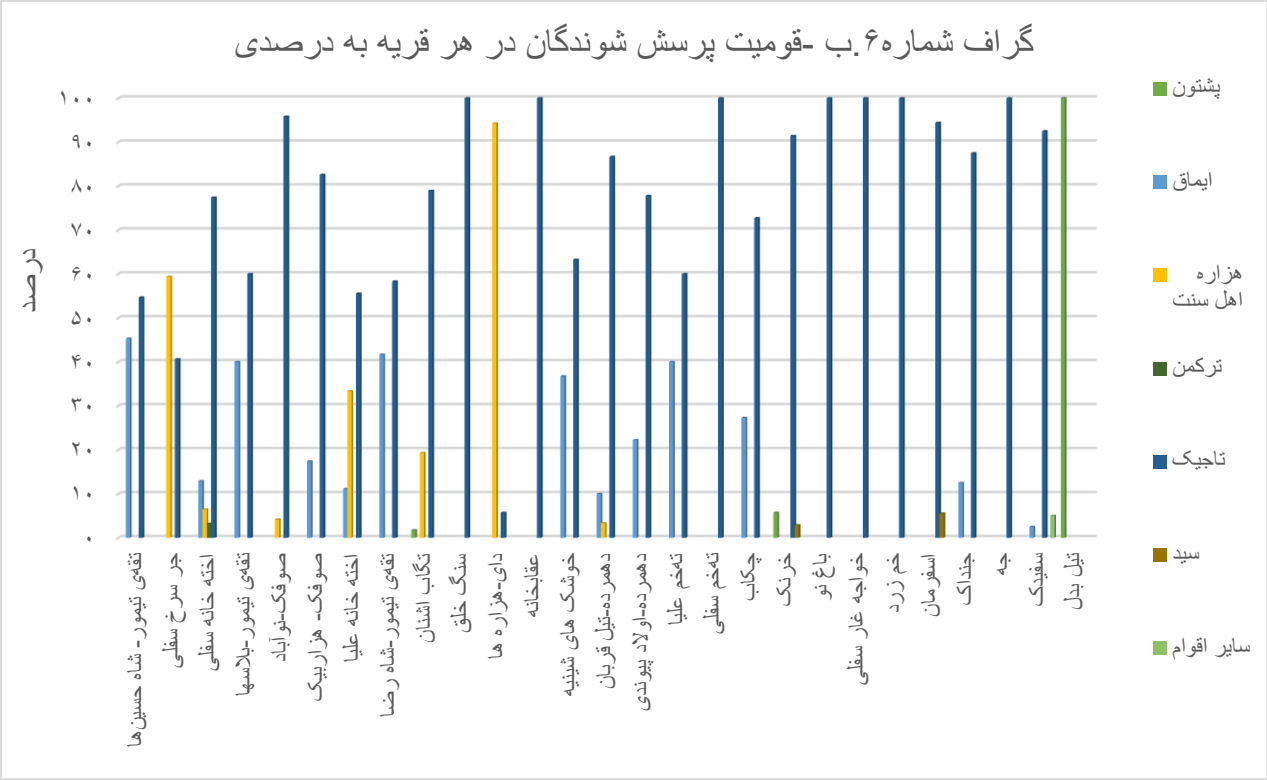

جدول شماره۶.ب -قومیت پرسش شوندگان در هر قریه به درصدی

شماره	نام شهرستان	نام روستا/ قومیت	پشتون	ایماق	هزاره اهل سنت	ترکمن	تاجیک	سید	سایر اقوام
۱	فیروزکوه	تغهٔ تیمور- شاه حسین‌ها		٪۴۵/۳۱			٪۵۴/۶۹		
۲		جر سرخ سفلی			٪۵۹/۳۷		٪۴۰/۶۳		
۳		اخته خانه سفلی		٪۱۲/۹۰	٪۶/۴۵	٪۳/۲۳	٪۷۷/۴۲		
۴		تغهٔ تیمور-بلاسها		٪۴۰			٪۶۰		
۵		صوفک-نوآباد			٪۴/۱۷		٪۹۵/۸۳		
۶		صوفک- هزاربیک		٪۱۷/۳۹			٪۸۲/۶۱		
۷		اخته خانه علیا		٪۱۱/۱۱	٪۳۳/۳۳		٪۵۵/۵۶		
۸		تغهٔ تیمور -شاه رضا		٪۴۱/۶۷			٪۵۸/۳۳		
۹	تولک	تگاب اشنان	٪۱/۷۵		٪۱۹/۳۰		٪۷۸/۹۵		

۱۰		سنگ خلق					٪۱۰۰		
۱۱		دای-هزاره ها		٪۹۴٫۲۹			٪۵٫۷۱		
۱۲		عقابخانه					٪۱۰۰		
۱۳	دولتیار	خوشک های شینیه		٪۳۶٫۷۳			٪۶۳٫۲۷		
۱۴		دهمرده-تیل قربان		٪۱۰	٪۳٫۳۳		٪۸۶٫۶۷		
۱۵		دهمرده-اولاد پیوندی		٪۲۲٫۲۲			٪۷۷٫۷۸		
۱۶		ته‌خم علیا		٪۴۰			٪۶۰		
۱۷		ته‌خم سفلی					٪۱۰۰		
۱۸		چکاب		٪۲۷٫۲۷			٪۷۲٫۷۳		
۱۹	تیوره	خرنک	٪۵٫۷۱				٪۹۱٫۴۳	٪۲٫۸۶	
۲۰		باغ نو					٪۱۰۰		
۲۱		خواجه غار سفلی					٪۱۰۰		
۲۲		خم زرد					٪۱۰۰		
۲۳	مرغاب	اسفرمان					٪۹۴٫۴۴	٪۵٫۵۶	
۲۴		جنداک		٪۱۲٫۵			٪۸۷٫۵		
۲۵		جه					٪۱۰۰		
۲۶	چهارسده	سفیدک		٪۲٫۵			٪۹۲٫۵		٪۵
۲۷	دولینه	تیل بدل	٪۱۰۰						

رابطه جنسیت و قومیت

آیا بین جنسیت افراد و پاسخ آن‌ها به پرسشِ قومیت رابطه معناداری وجود دارد یا خیر؟ در این بخش به بررسی این پرسش می‌پردازیم. بر اساس داده‌های این پژوهش، از میان ۸۶۹ نفر که به پرسشنامه قومیت پاسخ داده اند، ۱۳۳ نفر آنها زن بوده اند که از میان آن‌ها ۶۸ نفر (٪۵۱٫۱۳) خود را تاجیک، ۶۲ نفر (٪۴۶٫۶۲)

خود را ایماق، ۲ نفر (۱٫۵٪) خود را هزاره اهل سنت، و ۱ نفر (۰٫۷۵٪) خود را ترکمن معرفی کرده‌اند. همچنین از میان ۷۳۶ مرد که به پرسش‌نامه پاسخ داده‌اند، ۶۰۲ نفر (۸۱٫۸٪) خود را تاجیک، ۷۱ نفر (۹٫۶۵٪) خود را هزاره اهل سنت، ۳۴ نفر (۴٫۶۲٪) خود را ایماق، ۲۱ نفر (۲٫۸۵٪) خود را افغان(پشتون)، ۴ نفر (۰٫۵۴٪) خود را سید، و ۴ نفر (۰٫۵۴٪) خود را از سایر اقوام دانسته‌اند.

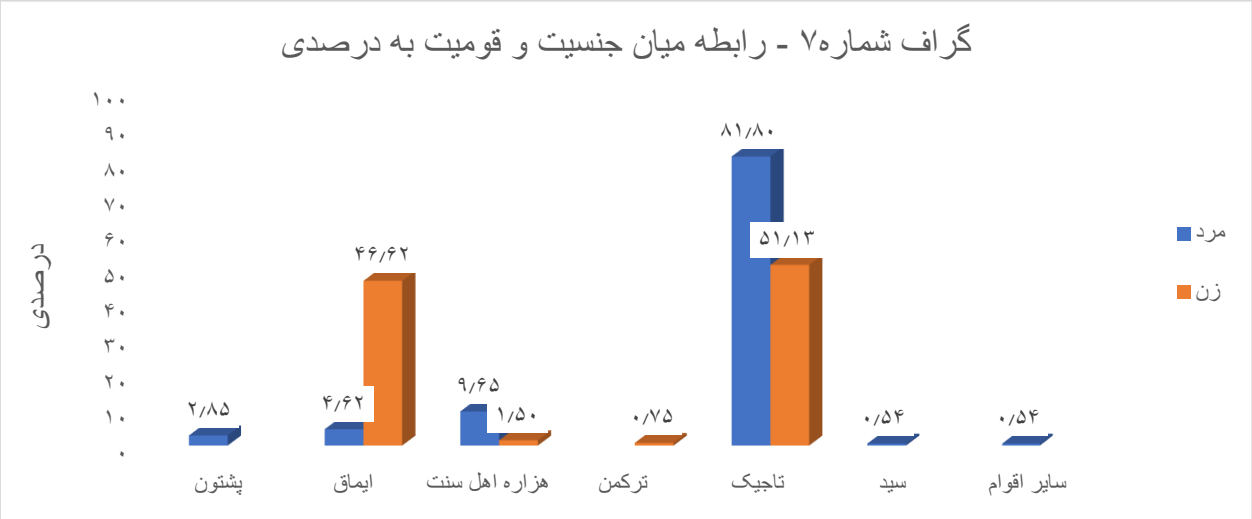

جدول شماره۷ –رابطه میان جنسیت و قومیت به درصدی

جنسیت	پشتون	ایماق	هزاره اهل سنت	ترکمن	تاجیک	سید	سایر اقوام
مرد	٪۲٫۸۵	٪۴٫۶۲	٪۹٫۶۵	۰	٪۸۱٫۸	٪۰٫۵۴	٪۰٫۵۴
زن	۰	٪۴۶٫۶۲	٪۱٫۵	٪۰٫۷۵	٪۵۱٫۱۳	۰	۰

رابطه سن و قومیت

در این بخش به بررسی این پرسش می‌پردازیم که آیا بین سن افراد و پاسخ آن‌ها به پرسش قومیت، رابطهٔ معناداری وجود دارد یا خیر؟ بر پایهٔ داده‌های این پژوهش، از ۸۶۹ نفری که به پرسشنامهٔ قومیت پاسخ داده‌اند، ۲۸۹ نفر در گروه سنی جوانان (۱۸ تا ۳۰ سال) قرار داشته‌اند. از میان آن‌ها، ۲۲۳ نفر (۷۷٫۱۶٪) خود را تاجیک، ۳۰ نفر (۱۰٫۳۸٪) ایماق، ۲۸ نفر (۹٫۶۹٪) هزاره اهل سنت، ۶ نفر (۲٫۰۸٪) افغان(پشتون)، ۱ نفر (۰٫۳۵٪) سید و ۱ نفر (۰٫۳۵٪) خود را ترکمن معرفی کرده‌اند. همین طور در گروه سنی ۳۱ تا ۴۵ سال، ۳۱۷ نفر به پرسشنامه پاسخ گفته اند که از این تعداد، ۲۶۱ نفر (۸۲٫۳۳٪) خود را تاجیک، ۳۲ نفر (۱۰٫۰۹٪) ایماق، ۱۳ نفر (۴٫۱٪) هزاره اهل سنت، ۶ نفر (۱٫۸۹٪) افغان(پشتون)، ۱ نفر (۰٫۳۲٪) سید و ۴ نفر (۱٫۲۶٪) خود را از سایر اقوام دانسته‌اند. همچنین در گروه سنی ۴۶ تا ۶۰ سال،

۱۷۶ نفر به پرسشنامه قومیت پاسخ گفته اند که از این میان، ۱۳۰ نفر (۷۳٫۸۶٪) تاجیک، ۲۰ نفر (۱۱٫۳۶٪) ایماق، ۱۶ نفر (۹٫۰۹٪) هزاره اهل سنت، ۸ نفر (۴٫۴۵٪) افغان(پشتون) و ۲ نفر (۱٫۱۴٪) سید بوده‌اند. در نهایت، ۸۷ نفر از پاسخ‌دهندگان بالای ۶۰ سال سن داشته‌اند که از میان آن‌ها ۵۶ نفر (۶۴٫۳۷٪) خود را تاجیک، ۱۴ نفر (۱۶٫۰۹٪) ایماق، ۱۶ نفر (۱۸٫۳۹٪) هزاره اهل سنت و ۱ نفر (۱٫۱۵٪) خود را افغان(پشتون) معرفی نموده اند.

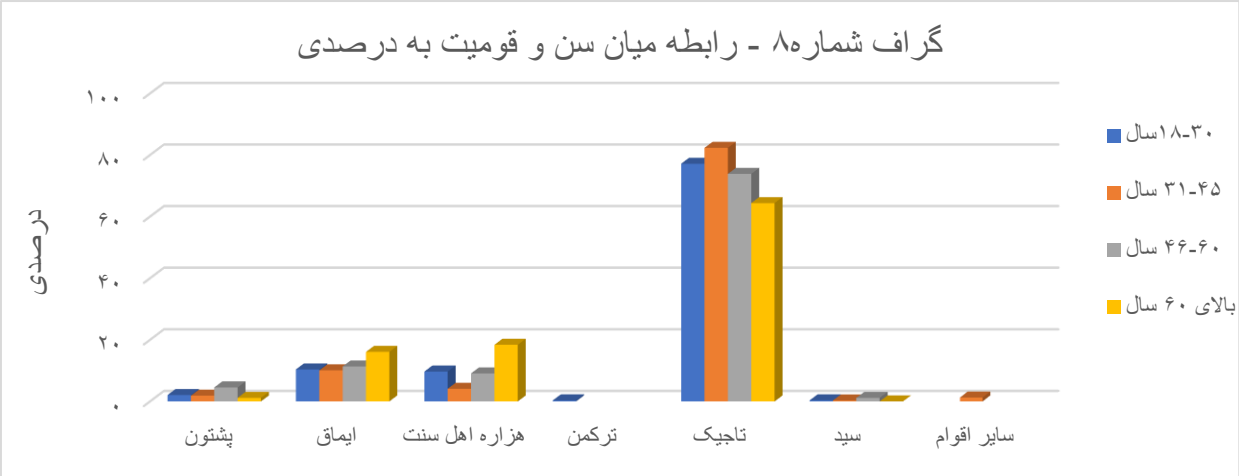

جدول شماره۸ – رابطه میان سن و قومیت به درصدی							
سن و سال	پشتون	ایماق	هزاره اهل سنت	ترکمن	تاجیک	سید	سایر اقوام
۱۸-۳۰سال	٪۲٫۰۸	٪۱۰٫۳۸	٪۹٫۶۹	٪۰٫۳۵	٪۷۷٫۱۶	٪۰٫۳۵	۰
۳۱-۴۵ سال	٪۱٫۸۹	٪۱۰٫۰۹	٪۴٫۱	۰	٪۸۲٫۳۳	٪۰٫۳۲	٪۱٫۲۶
۴۶-۶۰ سال	٪۴٫۵۵	٪۱۱٫۳۶	٪۹٫۰۹	۰	٪۷۳٫۸۶	٪۱٫۱۴	۰
بالای ۶۰ سال	٪۱٫۱۵	٪۱۶٫۰۹	٪۱۸٫۳۹	۰	٪۶۴٫۳۷	۰	۰

رابطه سطح تحصیل و قومیت

در این بخش به بررسی این پرسش می‌پردازیم که آیا بین سطح تحصیلی افراد و پاسخ آن‌ها به پرسش قومیت، رابطه‌ی معناداری وجود دارد یا خیر؟ بر پایهٔ داده‌های این پژوهش، از ۸۶۹ نفری که به پرسشنامهٔ قومیت پاسخ داده‌اند، ۲۹ نفر درجه تحصیل شان کارشناسی(لیسانس) بوده است. از میان آن‌ها، ۲۷ نفر (۹۳٫۱۰٪) خود را تاجیک،۱ نفر (۳٫۴۵٪) ایماق و ۱ نفر (۳٫۴۵٪) خود را هزاره اهل سنت معرفی کرده‌اند. به همین ترتیب ۶۸ نفر از پاسخ دهندگان به پرسشنامه قومیت دارای تحصیلات فوق بکلوریا (۱۴پاس) بوده اند.از این

تعداد، ۶۲ نفر (۹۱/۱۸٪) خود را تاجیک، ۱ نفر (۱/۴۷٪) ایماق، ۳ نفر (۴/۴۱٪) هزاره اهل سنت و ۲ نفر (۲/۹۴٪) خود را افغان(پشتون) خوانده اند. همچنین ۷۲ نفر از پاسخ دهندگان به پرسشنامه قومیت دارای تحصیلات دیپلم(۱۲پاس) بوده اند. از این میان، ۶۴ نفر (۸۸/۸۹٪) تاجیک، ۲ نفر (۲/۷۸٪) ایماق و ۶ نفر (۸/۳۳٪) خود را هزاره اهل سنت گفته‌اند. ۱۱ نفر از پاسخ دهندگان تحصیلات دینی یا خصوصی داشته اند که همه آنها (۱۰۰٪) خود را تاجیک گفته اند. به همین ترتیب ۱۳۳ نفر از پاسخ دهندگان به پرسشنامه دارای تحصیلات سطح متوسطه یا صنف ۹ بوده اند. از میان آن‌ها ۱۱۲ نفر (۸۴/۲۱٪) خود را تاجیک، ۶ نفر (۴/۵۱٪) ایماق، ۸ نفر (۶/۰۲٪) هزاره اهل سنت، ۶ نفر (۴/۵۱٪) خود را افغان(پشتون) و ۱ نفر(۰/۷۵٪) خود را سید معرفی نموده اند. ۶۸ نفر از پاسخ دهندگان به پرسشنامه دارای تحصیلات سطح ابتداییه یا صنف ۶ بوده اند.از میان آن‌ها ۴۳ نفر (۶۳/۲۴٪) خود را تاجیک، ۴ نفر (۵/۸۸٪) ایماق و ۲۱ نفر (۳۰/۸۸٪) خود را هزاره اهل سنت معرفی نموده اند. در نهایت ۴۸۸ نفر از پاسخ دهندگان به پرسشنامه قومیت بی‌سواد بوده اند.از میان آن‌ها ۳۵۱ نفر (۷۱/۹۳٪) خود را تاجیک، ۸۲ نفر (۱۶/۸٪) ایماق، ۳۴ نفر (۶/۹۷٪) هزاره اهل سنت، ۱۳ نفر (۲/۶۶٪) افغان (پشتون)، ۳ نفر(۰/۶۲٪) سید، ۱ نفر(۰/۲٪) ترکمن و ۴ نفر(۰/۸۲٪) خود را از سایر اقوام معرفی کرده اند.

گراف شماره۹ - رابطه میان سطح تحصیلی و قومیت به درصدی

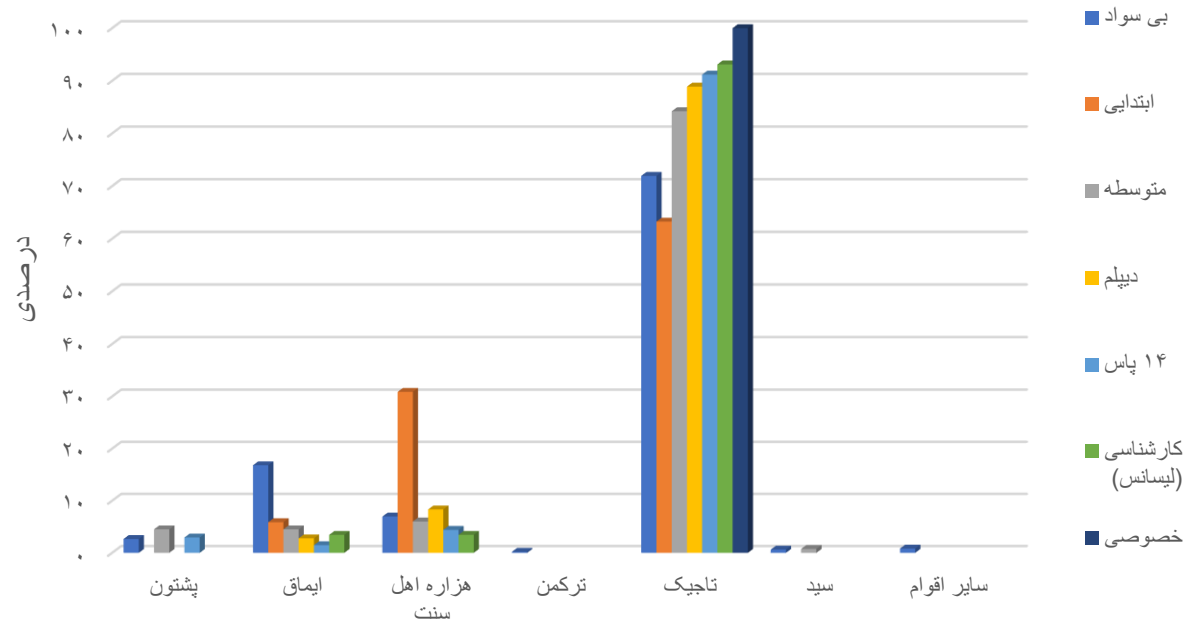

جدول شماره۹ – رابطه میان سطح تحصیلی و قومیت به درصدی							
سطح تحصیل	پشتون	ایماق	هزاره اهل سنت	ترکمن	تاجیک	سید	سایر اقوام

بی سواد	٪۲٫۶۶	٪۱۶٫۸۰	٪۶٫۹۷	٪۰٫۲	٪۷۱٫۹۳	٪۰٫۶۲	٪۰٫۸۲
ابتدایی	۰	٪۵٫۸۸	٪۳۰٫۸۸	۰	٪۶۳٫۲۴	۰	۰
متوسطه	٪۴٫۵۱	٪۴٫۵۱	٪۶٫۰۲	۰	٪۸۴٫۲۱	٪۰٫۷۵	۰
دیپلم	۰	٪۲٫۷۸	٪۸٫۳۳	۰	٪۸۸٫۸۹	۰	۰
۱۴ پاس	٪۲٫۹۴	٪۱٫۴۷	٪۴٫۴۱	۰	٪۹۱٫۱۸	۰	۰
کارشناسی (لیسانس)	۰	٪۳٫۴۵	٪۳٫۴۵	۰	٪۹۳٫۱	۰	۰
خصوصی	۰	۰	۰	۰	٪۱۰۰	۰	۰

نتیجه‌گیری

این پژوهش میدانی که به هدف بررسی ادعاهای کتاب «هزاره‌های اهل سنت» مبنی بر حضور طایفه‌ها و تعداد روستاهای متعلق به هزاره‌های اهل سنت در ولایت غور در قریه‌ها و میان طایفه‌های که در این کتاب هزاره خوانده شده اند، انجام شده و از ۸۶۹ نفر از باشندگان ۲۷ روستا در ۷ شهرستان ولایت غور پرسیده است که خود را از کدام قوم می‌دانند؟ پاسخ‌ها به این پرسش، تصویری جامع از پراکندگی قومی و ویژگی‌های اجتماعی پاسخ‌دهندگان ارایه می‌کند. مثلا بر اساس جمع‌بندی پاسخ‌ها، از میان ۸۶۹ نفر ۷۷,۱۰٪ خود را تاجیک، ۱۱,۰۵٪ خود را ایماق، ۸,۴٪ خود را هزاره اهل سنت، ۲,۴۱٪ خود را افغان(پشتون)، ۰,۴۶٪ خود را سید، ۰,۱۲٪ خود را ترکمن و به همین ترتیب ۰,۴۶٪ دیگر گزینه سایر اقوام را انتخاب کرده اند. نتایج این پژوهش بیانگر آن است که برخلاف ادعای کتاب «هزاره‌های اهل سنت»، بیشتر از ۹۲ در صد مردم و طایفه‌ها و باشندگان روستاهای یادشده در آن کتاب، خود را تاجیک و اقوام دیگر دانسته‌اند و حدود ۸ در صد خود را هزاره اهل سنت خوانده اند.

بیشترین شمار شرکت‌کنندگان در این پژوهش از واحد اداری فیروزکوه(مرکز ولایت غور) بوده که ۲۳۴ نفر (۲۶٫۹۳٪) از کل نمونه را در بر می‌گیرند. همچنین از شهرستان‌های تولک (۱۸٫۷۶٪)، دولتیار (۱۵٫۶۵٪)، تیوره (۱۳٫۸۱٪)، مرغاب (۱۳٫۵۸٪)، چهارسده (۹٫۲٪) و دولینه (۲٫۰۷٪) نیز در این پژوهش اشتراک داشتند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که در میان طایفه‌ها و روستاهای ادعا شده در ولایت غور، تاجیک‌ها قوم غالب بوده اند، هرچند درصدی از ایماق‌ها و هزاره‌های اهل سنت نیز در این روستاها زندگی می‌کنند.

پژوهش حاضر، نشان دهنده توزیع متنوع قومیت‌ها در سطح روستاهای مورد نظر و یا حتی ولسوالی‌های مربوطه است. برای نمونه، در روستاهای مربوط به ولسوالی تیوره به طور کلی (۹۷٫۵٪) خود را تاجیک

گفتهاند. اما در روستاهای مربوط واحد اداری فیروزکوه، به صورت مجموعی تاجیک‌ها با (۶۳/۶۸) بیشترین سهم را دارند و ایماق‌ها با (۲۳/۹۳٪) گروه جمعیتی دوم و هزاره های اهل سنت با (۱۱/۹۷٪) گروه جمعیتی سوم هستند. با این حال در روستای جرسرخ سفلی در فیروز کوه، ترکیب قومیتی بیشتر متشکل از هزاره‌های اهل سنت بوده است. این تنوع نشان می‌دهد که حتی در مناطقی که یک قوم اکثریت دارد، بازهم اقلیت‌های قابل توجهی نیز در آنجا زندگی می‌کنند. بررسی دقیق‌تر در سطح روستاها نیز نکات جالبی را نمایان می‌کند. بگونه مثال، در شهرستان تولک، روستاهایی مانند سنگ خلق و عقاب‌خانه کاملاً (۱۰۰٪) خود را تاجیک گفته اند، در حالی‌که (۹۴/۲۹٪) مردم روستای دای-هزاره‌ها، خود را هزاره‌اهل سنت گفته‌اند. نکته جالب دیگر این است که در روستاهای مربوط به شهرستان‌های تولک ، تیوره و دولینه، هرچند اکثریت مطلق خود را تاجیک نامیده‌اند، اما هزاره اهل سنت و افغان(پشتون) به ترتیب گروه‌های قومی دوم و سوم بوده اند. اما در شهرستان‌های دولتیار، چهار سده، مرغاب و واحد اداری فیروزکوه، با اینکه اکثریت قریب به اتفاق خود را تاجیک گفته اند، اما ایماق‌ها و هزاره های اهل سنت به ترتیب گروه‌های قومی دوم و سوم هستند.

یکی دیگر از نتایج قابل توجه این پژوهش، رابطه میان جنسیت و قومیت است. هرچند به‌دلیل شرایط سنتی حاکم بر ولایت غور و بسته بودن جامعه، مردان بیشتری (۸۴/۷٪) نسبت به زنان (۱۵/۳٪) در این پژوهش شرکت کرده‌اند، اما حضور زنان نیز چشمگیر بوده است. از میان ۸۶۹ نفر، ۱۳۳ نفر زن بوده اند که الگوهای قومیتی آن‌ها به وضوح با مردان تفاوت داشته است. بگونه نمونه، ۵۱/۱۳٪ از زنان خود را تاجیک معرفی کرده‌اند، و به همین ترتیب ۴۶/۶۲٪ خود را ایماق و درصد کمی از زنان خود را هزاره اهل سنت (۱/۵٪) یا ترکمن (۰/۷۵٪) خوانده اند. در مقابل، اکثریت مردان (۸۱/۸٪) خود را تاجیک خوانده‌اند. همچنین ۹/۶۵٪ از مردان خود را هزاره اهل سنت، ۴/۶۲٪ ایماق و ۲/۸۵٪ افغان(پشتون) گفته‌اند.

این پژوهش همچنین به پیوند میان سن و قومیت نیز پرداخته است. در گروه سنی جوانان (۱۸ تا ۳۰ سال)، (۷۷/۱۶٪) از افراد خود را تاجیک، (۱۰/۳۸٪) ایماق، (۹/۶۹٪) هزاره اهل سنت، (۲/۰۸٪) افغان(پشتون)، (۰/۳۵٪) سید و (۰/۳۵٪) خود را ترکمن معرفی کرده‌اند. اما در گروه سنی ۳۱ تا ۴۵ سال، نسبت تاجیک به ۸۲/۳۳٪ افزایش یافته و ایماق با (۱۰/۰۹٪) تفاوت چندانی نکرده است. اما سهم هزاره اهل سنت به (۴/۱٪)، افغان (پشتون) به (۱/۸۹٪) کاهش یافته است. همچنین در گروه سنی ۴۶ تا ۶۰ سال،سهم تاجیک به(۷۳/۸۶٪) کاهش یافته، در حالیکه ایماق با (۱۱/۳۶٪)، هزاره اهل سنت با(۹/۰۹٪)، افغان (پشتون) با (۴/۴۵٪) افزایش داشته اند. به همین ترتیب در گروه سنی بالای ۶۰ سال، سهم هزاره‌اهل سنت به (۱۸/۳۹٪) و از ایماق به (۱۶/۰۹٪) افزایش یافته، در حالیکه نسبت تاجیک با (۶۴/۳۷٪) و افغان(پشتون) با (۱/۱۵٪)، کاهش را نشان می دهد. این تغییرات بیانگر آنست که قومیت یک امر پویا است و در گذر زمان دستخوش تغییر می‌شود و نسل‌های جوان‌تر ممکن است ترکیب قومی متفاوتی نسبت به نسل‌های پیشین داشته باشند.

در پایان، رابطه بین سطح تحصیلات و قومیت نیز شایان توجه است. نتایج نشان می دهد که درجه تحصیل افراد نقش غیر قابل انکار بر پاسخ آنها داشته است. مثلا رابطه سطح تحصیلی و قومیت به این شکل بوده که کسانی که دارای (تحصیلات خصوص یا دینی ، کارشناسی(لیسانس)، و فوق دیپلم(۱۴پاس)، دیپلم(۱۲پاس)،

تحصیلات متوسطه، ابتداییه و یا بیسواد) بوده اند، درصد قومیت شان به ترتیب برای تاجیک (۱۰۰٪، ۹۳/۱٪، ۹۱/۱۸٪، ۸۸/۸۹٪، ۸۴/۲۱٪، ۶۳/۲۴٪ و ۷۱/۹۳٪)، برای ایماق (۰٪، ۳/۴۵٪، ۱/۴۷٪، ۲/۷۸٪، ۴/۵۱٪، ۵/۸۸٪ و ۱۶/۸٪)، برای هزاره اهل سنت(۰٪، ۳/۴۵٪، ۴/۴۱٪، ۸/۳۳٪، ۶/۰۲٪، ۳۰/۸۸٪ و ۶/۹۷٪)، برای افغان(پشتون)(۰٪، ۰٪، ۲/۹۴٪، ۰٪، ۴/۵۱٪، ۰٪ و ۲/۶۶٪) بوده است. چنانچه واضح است، با پایین آمدن سطح تحصیلات، درصد تاجیک کاهش یافته و درصد ایماق و هزاره اهل سنت افزایش یافته است و برعکس این نیز صادق است. این الگو نشان می‌دهد که ممکن است دسترسی به تحصیلات به‌طور غیرمستقیم بر قومیت افراد تأثیر بگذارد و یا اینکه شاید برخی گروه‌های قومی به تحصیلات بیشتری دسترسی داشته اند.

پیوست‌ها

نمونه پرسشنامه

بنیاد پژوهشی آل‌شنسب

پرسشنامه قومیت

قومیت یک احساس تعلق و یک نوع شناخت از هویت خود است. ما می‌خواهیم از شما بشنویم که خود را از کدام یک از اقوام افغانستان می‌دانید. از همکاری و اشتراک شما در این تحقیق و سروی سپاسگزاریم. نام و هویت شما نزد ما کاملاً محفوظ خواهد ماند و این پرسشنامه هیچ خطر و ضرری به شما نخواهد رساند. لطفا طایفه و قبیله خود را نوشته نکنید.

نام شخص پرسش کننده_____ **تاریخ**_____
موقعیت قریه(GPS)_____

مشخصات پرسش شونده:

نام و تخلص_____ **نام پدر**_____
سن_____ **نام قریه**_____**شماره تماس**_____

جنسیت:

☐مرد ☐زن

درجه تحصیل:

☐بی‌سواد ☐متوسطه ☐(۱۴ پاس) ☐کارشناسی ارشد(ماستری) ☐دکترا
☐ابتدایی ☐دیپلم(۱۲ پاس) ☐کارشناسی(لیسانس) ☐تحصیل خصوصی_____

قومیت خود را مشخص نمایید:

☐پشتون ☐بلوچ ☐تاجیک
☐ازبک ☐هزاره اهل سنت ☐سید
☐ایماق ☐ترکمن ☐سایر اقوام_____

امضای پرسش کننده_____

از همکاری شما سپاسگزاریم!

فهرست منابع

۱. اسمیت، آنتونی دی .۱۳۸۳. ناسیونالیسم، نظریه، ایدئولوژی، تاریخ .ترجمه‌ی منصور انصاری. تهران: انتشارات تمدن ایرانی.
۲. بارفیلد، توماس جفرسون .۱۳۹۸. تاریخ فرهنگی - سیاسی افغانستان .ترجمه‌ی عبدالله محمدی. چاپ نوزدهم. تهران: انتشارات عرفان.
۳. برتون، رولان .۱۳۹۸. قوم‌شناسی سیاسی .ترجمه‌ی ناصر فکوهی. چاپ هفتم. تهران: نشر نی.
۴. بیلیو، ایچ دبلیو .۱۳۹۱. پژوهشی درباره قوم‌شناسی یا اتنوگرافی افغانستان .ترجمه‌ی دکتر لعل‌زاد. کابل: انتشارات سعید.
۵. زمچی اسفزاری، معین‌الدین .۱۳۳۸. روضات الجنات فی اوصاف مدینة هرات .تهران: انتشارات دانشگاه.
۶. شیر محمد خان. ۱۳۱۱ ق. تواریخ خورشید جهان .لاهور: مطبعه اسلامیه پنجاب.
۷. فایق، فضل‌الحق و دیگران .۱۳۹۸. شناسنامه غور .کابل: انتشارات پرند و انجمن ادبی فیروزکوه.
۸. بابا صفری، نافع .۱۳۹۵. قومیت و ناسیونالیسم قومی.
۹. ساقی، نبی .۱۴۰۰. پژوهشی در قومیت غوری‌ها .کابل: انتشارات مقصودی.